

# مردم ارکان مرکزی حزب توده ایران

بقیه مطالب این شماره: از آبان ماه ۱۳۴۴

|  |  |
|--|--|
| جنبش سیاسه دفاع از زندانیان سیاسی در ایران صفحه ۶          | کارخانه ذوب آهن ایران و نتایج اقتصادی و اجتماعی آن صفحه ۲  |
| وام پانزده میلیارد ریالی همراه با تحریک احساسات ملی صفحه ۷ | بناسیت سی امین سالگشت گذر هفتم کمیشن (بین الملل سوم) برای آزادی یگانگان از مرگ و زندان مبارزه کنیم! صفحه ۲ |
| پنجاه سال مبارزه کارگران نفت صفحه ۷                        | رویدادها و تفسیرها صفحه ۸  |
| وضع وخیم اندوختی صفحه ۸                                    | تقویم مردم صفحه ۸  |
| صفحه ۸   | صفحات ۴ و ۵  |

## تحلیلی درباره وضع کشور

بیم داشتند. تردید نیست که شاه و افراد خاندان پهلوی که خود از ملاکان و سرمایه داران بزرگ هستند وقتی با نگرانی و رنجش همسفران و حامیان طبقاتی خود روبرو شدند ترجیح دادند با افکندن بسیاری از تصمیمها بگردن دولت امینی بتدریج روابط خود را با این قشر با نفوذ بهتر کنند و موضوع مالیات بر درآمد را عجلاناً در لایبنت مقررات قانونگذاری بیافکنند. امری که بویژه شاه را باین سازش و امیدداشت نوعی افراد او بود که در نتیجه اجراء مرحله اول اصلاح ارضی در میان مالکان برایش روی داده بود. بعلاوه چنانکه خواهیم گفت فضای سیاست خارجی یعنی محافل امپریالیستی نیز برای ارتکار دیگر آمادگی بیشتری نشان میداد. شاه با ملاکان نیز رزوم وارد سازش جلی شد. شاه با برویت راندن ارستجانی و سپس سالور از وزارت کشاورزی و گمازیدن سپهد ریاحی و سرهنگ ولیان سربازان گوش بفرمان خود از ادامه سیاست فروش ارضی بدنهتاتان احتراز نمود. با آنکه قرار بود و وعده داده میشد که در مرحله دوم اصلاح ارضی حد نصابی بین ۳۰ تا ۱۲۰ هکتار برای مالکیت زمین اجراء شود. این نکته عجلاناً و عملاً بکنار گذاشته شد و مسئله اجاره زمین از جانب مالکان بدنهتاتان و مسئله ایجاد واحدهای سهامی زراعی، (که همان اجراء مقررات مزارعه است و در ابتدا جنبه یکی موقوف داشت) علنی و رسمیت یافت. تمام این چیزها رسماً و صریحاً اعلام نشده ولی طرز عمل رژیم و شتاب او برای خاتمه مرحله دوم در مدتی کوتاه و ارقامی که در گزارش اخیر ولیان در برابر شاه منعکس شده همه شنی جدید را افشاء میکنند.

تردیدی نیست که رژیم شاه مایل است در طول مدت ملاکان فئودال را بملکان سرمایه دار تبدیل کند ولی بهر صورت آنچه که اکنون فلیت یافته است حفظ وضع موجود است و عجلاناً فروش قطعی زمین بدنهتاتان عملاً بزمان قریب ۱۱ هزار ده ششادگی و چند دانگی غالباً غیر مرغوب محدود مانده است. نمیتوانی گفت که رژیم ممکن نیست روز دیگری به بقیه در صفحه ۳

لازمه درک عمیق ماهیت حوادثی که در جامعه ما میگردد. مطالعه جامع این حوادث و تعیین دائمی سیر آنهاست. با آنکه رژیم ضدملی و ضددموکراتیک کنونی چنانکه در تظاهرات منسوب به یازدهم حزب تصریح شده از جهت ماهیت خود دست نخورده مانده ولی در درون جامعه ما پیوسته پدیده های تازه بتازهای رخ میدهد که لازمه شناخت مشخص آنها بررسی جدا گانه آنها است. ما میکوشیم تا اجمال و بدوز استنتاجات خویش را در این زمینه ولو بعنوان طرح مقدماتی مطلب مورد بحث بیان داریم.

### برخی تغییرات در تاکتیک «اصلاحاتی» رژیم

طی حوران پس از حکومت امینی بتدریج و بویژه در این اواخر شاه و رژیم مخلوق او در قبال سرمایه داران کومپوزور و ملاکان و دیگر قشرهای حاکمه دست بسازشهایی زدند. با سرمایه داران کومپوزور این سازش باین آمد که بتدریج از طرح حاد مسئله مالیات بر درآمد و از اظهارات و اقدامات شدید در این زمینه، چنانکه مدتی کابینه های رژیم و وزراء دارای این کابینه ها سرگرم آن بودند، احتراز شد. شاه و دولتبهی دست نشانده اش در گذشته بنا باشاره امپریالیستهای امریکا چنین تظاهرات می کردند که قانون مالیات بر درآمد باید بطور جدی اجراء شود. امریکاییها قادر نبودند کمک و وامی را که پس از کودتا بایران میدادند برای مدت نا معینی ادامه دهند علاوه بر آنکه اصلاحات فراوانی در باره حیف و میل کمکها و وامها بگوش آنها می رسیدند. لذا رژیم را بتأمین منابع داخلی مالی تشویق میکردند و از انجمله مالیات سنگینی مظم و جدی را چاره کار میشمردند. اقدامات کابینه های مختلف در این سمت، خشم و تمسب مردمیان عمده مالیات اتم از سرمایه دار و ملاک را بر آنکینخت. بعلاوه سرمایه داران بزرگ پس از برخی محدودیتهای سهامیه و اعتبار در دوران امینی پیش از این ناراضی شده بودند و با وجود تأکید دولت دائر بسرمایه گذاری چون ابتکار را بصرفه خود نمیدیدند از سرمایه گذاری

### حادثه کاخ مرمر

روشنه کران زندانی پرداخت. رادیوی یک ایران، ارکان حزب ما، در برنامه های روزانه خود بدون انقطاع برای افشاء این توطئه ضد دموکراتیک و تجهیز مین برستان و آزادیخواهان ایران گفتارهای مستدل و متعددی بخش کرد، مطبوعات و سازمانهای حزبی ما نیز برای انجام همین وظیفه بسیج شدند.

کمیته مرکزی حزب توده ایران با خرسندی تشخیص میدهد که مساعی حزب ما و سایر نیروهای ملی و دموکراتیک ایران، مبارزات وسیع دانشجویان ایرانی، اعتراضات دامنه دار محافل مختلف در اروپا و امریکا، مانع از آن گردید که حکومت ضد دموکراتیک ایران نقشه جنایتکارانه خود را تماماً بموقع اجراء در آورد. همین واقعیت که دادگاه فرمایشی نظامی مجبور شد برخلاف سنت دیرین خود جریان محاکمه را تا حدودی علنی سازد، همین امر که دادگاه مزبور نتوانست تقاضای دادستان ارتش را که حد اقل چهار محکومیت با اعدام خواسته بود، بر آورد و بالاخره این واقعیت که دو نفر از متهمین تبرئه شده اند نشان دهنده نتایجی است که در مرحله اول بقیه در صفحه ۲

### اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

### درباره متهمین

سرانجام دادگاه غیرقانونی نظامی علیرغم موج شدید اعتراضی که در ایران و جهان برضد دسر بهای رژیم برخاسته است حکم جابرانه خود را درباره ۱۴ نفر روشنه کران ایرانی که متهم بشرکت در حادثه کاخ مرمر بودند صادر کرد. با اینکه جریان محاکمه باصراحت تمام نشان داد که مقامات دولتی ایران از اقامه هر گونه دلیلی دائر به شرکت این جوانان در حادثه مزبور عاجزند و ۱۴ نفر روشنه کران ایرانی صرفاً بعلت داشتن عقاید سیاسی تحت تعقیب و محاکمه قرار گرفته اند، دادگاه غیرقانونی نظامی دو نفر از آنان را با اعدام، یک نفر را زندان ابد و ۹ نفر دیگر را حبسهای سنگین محکوم نموده است و دو نفر از متهمین تبرئه شده اند. بدینسان توطئه ای که برضد آزادی و جان عده ای از جوانان روشن فکر مین ما و برای ارعاب و سرکوب هر گونه مخالفتی علیه رژیم دیکتاتوری تدارک شده وارد مرحله جدیدی گردیده است و اکنون خطری جدی دو تر روشنه کران مین پرست را تهدید میکند.

حزب توده ایران بنا بر سنت خود مبنی بر دفاع از آزادی و دموکراسی، از همان آغاز امر با تمام نیروی خویش بدفاع از این

حزب ما در راه برانداختن تسلط امپریالیزم و ارتجاع و تأمین استقلال واقعی سیاسی و اقتصادی ایران، در راه دموکراتیزه کردن جامعه، در راه صلح و ترقی و رفاه عمومی، علیرغم دشواریهای فراوان مبارزه خویش همچنان ادامه میدهد و مساعی خود را در راه تأمین اتحاد و ائتلاف همه نیروهای مترقی و دموکراتیک جامعه ما بکار می بندد تا بتواند به آرزوهای دیرین مردم کشور ما جامه عمل بپوشاند.

استوار باد دوستی ایران و شوروی!  
فرخنده باد جشن انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر!  
زنده باد حزب کمونیست اتحاد شوروی  
نیروی سازمان ده و رهنمون مردم شوروی و بیروزیایش!  
استوار باد یگانگی و همبستگی کشورهای سوسیالیستی و جنبش کارگری و کمونیستی جهانی!  
کمیته مرکزی حزب توده ایران

### نامه کمیته مرکزی حزب توده ایران بکمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

روز افزون کشورهای سوسیالیستی و پیشاهنگ آنها اتحاد شوروی را درک مینمایند و بدین سبب میکوشند که با توسل بشیوه های ددمنشانه سرکوب جنبشهای رهاشی بخش تا آنجا که بتوانند دوران سطره خود را طولانی بیازند. نمونه عیان این جریان جنگ تبهکارانه ایست که امپریالیستهای امریکا علیه خلق دلیر و بی نام بره انداخته اند و با این جنایت خود خشم و پر خاش روز افزون نیروهای مترقی جهان را متوجه خویش ساخته اند. در این مبارزه یگانگی و بهم پیوستگی نیروهای سوسیالیستی میتواند و باید نقش قاطع داشته باشد. حزب کمونیست اتحاد شوروی در گذشته آنچه را که ممکن بود برای تحکیم این یگانگی بعمل آورده و ما مطمئنیم که در آینده نیز بعمل خواهد آورد.

حزب ما که تا ناگر مصالح مردم ایران است بیوسته در راه بهبود روابط ایران و شوروی کوشیده است زیرا میدانند که کمک بیفرضانه اتحاد شوروی بایران به نبرد او علیه امپریالیزم و استعمار توین کمک مؤثر میکند.

مواقف های اخیر اتحاد شوروی و ایران در مورد ساختن تأسیسات ذوب آهن و دیگر نگاههای صنعتی مساعدت مؤثر و بزرگی بر رشد و تکامل صنایع کشور ما است و گام مهمی است در جهت تحکیم استقلال اقتصادی مین ما. ما بتوبه خود امیدواریم که دامنه این تقبیل موافقتها هر چه بیشتر بسط یابد و مین ما از مزایای کمکهای بی شائبه اتحاد شوروی این همسایه بزرگ و دوست پر ارزش خود پیش از پیش برخوردار گردد.

کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی رفقای عزیز! کمیته مرکزی حزب توده ایران از جانب خود و از جانب کلیه اعضا حزب، بمناسبت چهل و هشتمین سال انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر، حادثه ای که جای نمایانی در تاریخ بشریت دارد، بشما ضمیمانه شاد باش میگردد.

انقلاب کبیر سوسیالیستی اکبر در برابر خلقهای روسیه تزاری سابق راه نیل به زندگی بهروز و رها از بهره کشی را گشود و بکلیه خلقها بویژه خلقهای کشورهای مستعمره و وابسته دور نمای روشن مبارزه را عطا کرد. اکنون اتحاد جماهیر شوروی این زاده انقلاب کبیر اکبر بار و تکیه گاه همه نیروهای انقلابی و تمام آن قوای است که در راه رهاشی از ستم سرمایه و انحصارات امپریالیستی گرم نبردند.

امپریالیزم و در نوبه نخستین امپریالیستهای امریکا که نقش ژاندارم جهانی را ایفا میکنند نیروی

# کارخانه ذوب آهن ایران و نتایج اقتصادی و اجتماعی آن

موفقانته فنی و اقتصادی ایران و شوروی که در مهر ماه سال جاری بین نمایندگان دو کشور امضاء و مبادله گردید بازروی دیرین ایرانیان جمله عمل پوشانید و با سهولت شرایط ممکن امکان احداث کارخانه های ذوب آهن و ماشین سازی را برای ایران فراهم آورد . دستگاه های تبلیغاتی شاه این پیروزی دیررس مردم ایران را نتیجه «ساعی و تدبیر و روشن بینی» و «بهداف رسیدن» تیر چند نشان «شاهنشاه آریا مهر» قلمداد میکنند . ولی همه میدانند که بیست و هفت سال مذاکره با کشورهای امپریالیستی ، صرف میلیون ها تومان هزینه «مطالعه» ، تبادل بیش از یکصد هیئت نمایندگی بجای ذوب آهن یک تن کاغذ بی ارزشی که مجموع پرونده ذوب آهن ایران را تشکیل میدهد ، نصیب ایران نمود . علت آن بود که دماک ها و گروه های میکوها و کاپورها یعنی انحصار هائیکه بازارهای جهان و ایران را در دست دارند ، احداث چنین کارخانه هایی را در کشورهایی نظیر ایران بصره که صلاح خود نمیدانند و هیئت حاکمه ایران نیز که منافع خود را با منافع انحصار ها در هم آمیخته در حل این مسئله حیاتی نمیتوانستند از چارچوب تنگی که منافع نامشروع دشمنان داخلی و خارجی ایران بوجود آورده ، پا فراتر نهند . حقیقت آنستکه مردم ایران و مبارزه پیگیر آنان بود که هیئت حاکمه و سرکرده آن شاه را وادار نمود تا در برابر افکار عمومی گام دیگری بعبق بردارد و تسلیم خواسته های ملی مردم گردد . اگر عقل و تدبیر شاه در کار بود هفت سال پیش ، زمانیکه اتحاد شوروی دست یاری بسوی مردم ایران فراز کرد باید این موفقانته امضاء میشد و ایران اکنون صاحب ذوب آهن میگردد . ولی هیئت حاکمه و سرچنان آن شاه در اندیشه منافع ملی ایران نبودند . شاه که در برابر افکار عمومی عقب نشینی کرده بود سعی داشت اجرای این آرزوی ملی را بدست انحصار ها بسپارد و چون وضع مالی دولت وخیم بود و شرایط پیشنه های انحصار ها غیر قابل تحمل گروشی داشت که گذشته های ولو جزئی از انحصار ها بدست آورد . قانون مربوط به تشکیل سازمان ذوب آهن ایران که در دیماه ۱۳۳۸ تصویب رسید حدود شرایطی را که هیئت حاکمه برای خود قابل قبول میدانست بخوبی نشان میدهد . در ماده ۳ این قانون گفته میشود که دولت مجاز است برای اجرای طرحی ... که از طرف کسرسریم دماک کروب تهیه شده است اعتبار یا وام لازم از کشورهای آلمان و انگلستان تا میزان ۱۵۰ میلیون دلار با بهره ای تا ۶ درصد ... تحصیل نماید و از محل وجوه حاصله از فروش کارخانجات دولتی و عواید نفت مستهلک نموده و بپردازد . ماده ۴ نیز بسازمان ذوب آهن اجازه میدهد که «مؤسسات خارجی را تا میزان ۲۰ درصد بهای ماشین آلات مشارکت بدهد .» باین ترتیب دیده میشود که هدف «تیر چند نشان» شاه چه بوده است : اخذ ۱۵۰ میلیون دلار وام ، دادن ۲۰ درصد بهره ، خراج کارخانه های دولتی ، بیش فروش عواید ارزی نفت ، سهم کسرسریم انحصار ها در ذوب آهن - خلاصه همه چیز جز منافع ملی ایران . ولی زندگی نشان داد که انحصار ها حتی با این شرایط نیز حاضر نیستند در ایران صنایع سنگین بوجود آورند . زمانیکه نمایندگان شوروی و ایران در

تولید فولاد و دستگاههای نورد بوده و مترقی ترین تکنولوژی یعنی فولاد ریزی بطریقه مداوم در آن بکار خواهد رفت . باین ترتیب مردم ایران در مقابل صدور گاز و پنبه و خشکبار و نظایر آن صاحب صنایع آهن کدازی و ماشین سازی خواهند شد . تنها هدف سیاست اقتصادی اتحاد شوروی در مورد کشور های در حال رشد تقویت بنیه اقتصادی این کشور ها میباشد . این سیاست ناشی از ماهیت سوسیالیستی این کشور بوده و در آخرین تحلیل علیه امپریالیسم یعنی بزرگترین دشمن کشور های در حال رشد متوجه است . با احداث کارخانه های ذوب آهن و ماشین سازی لطمه شدید بمنافع انحصار ها در ایران وارد خواهد آمد ؛ زیرا آنها یک بازار ۱۶ - ۱۵ میلیارد ریالی را از دست خواهند داد و باین ترتیب در رشته مهم وابستگی ایران بکشور های امپریالیستی بدست مردم ایران و بکلمت اتحاد شوروی قطع خواهد شد . از لحاظ داخلی نیز منافی که نصیب ملت ایران میشود فقط در ایجاد پایه های صنایع سنگین ، ایجاد کار ، صرفه جویی در ارز خارجی نیست ؛ بلکه آنچه که شاید اهمیت کمتری نداشته باشد وارد آمدن ضربه مؤثر به بورژوازی کمپرادور - یکی از بزرگترین دشمنان داخلی ایران و یکی از عمده ترین تکیه گاههای طبقاتی شاه میباشد . هم اکنون ارزش ماشین آلات بیش از ۱۶ درصد و آهن آلات بیش از ۱۰ درصد ارزش کل واردات کشور را تشکیل میدهد . کارخانه های که بکلمت اتحاد شوروی تأسیس خواهد شد تمام مصرف آهن و نصف مصرف قلعی ماشین آلات ایران را تولید خواهند نمود . باین ترتیب با ایجاد این کارخانه ها بیش از ۱۸ درصد سرمایه های کمپرادوری از این رشته فعالیت اقتصادی خارج شده و بهمان نسبت نیز وضع سرمایه داران کمپرادور متزلزل خواهد شد . البته بورژوازی کمپرادور سعی خواهد نمود از طرق دیگر وضع خود را مستحکم سازد و این وظیفه مردم ایران است که با مبارزه پیگیر ضربات تازه تر و مؤثرتری بآنها وارد سازد .

ایجاد یک ارتش عظیم چند هزار نفری کارگران صنعتی معاصر نیز بنوبه خود در تقویت کمی و کیفی کارگران صنعتی ایران که هنوز بخصوص از لحاظ کمی ضعیف هستند ، عامل قابل ملاحظه ای بوده و در امر تقویت نیروهای مخالف رژیم تأثیر شایان توجهی خواهد داشت . و بالاخره نیروی الهام بخش این قرارداد را که حقایق را آشکارتر و چشمها را باز تر مینماید و به مبارزات مردم ایران در راه گسترش مناسبات بازرگانی و اقتصادی ایران و کشورهای سوسیالیستی و علیه انحصار ها روح تازه میدهد ، نباید از نظر دور داشت . قرارداد ایران و شوروی که در شرایطی بیستی مسالمت آمیز نظامی متضاد اجتماعی بوجود آمده ، تنها منافع اقتصادی برای مردم ایران در بر دارد ؛ بلکه دارای نتایج اجتماعی و سیاسی نیز بوده دامنه نفوذ انحصار ها را در ایران محدود کرده تناسب قوای طبقاتی را در داخل کشور بنفع زحمتکشان و نیرو های ملی تغییر داده و پایه های اجتماعی رژیم موجود را متزلزل مینماید .

سازمانها و مطبوعات دمو کراتیک جهان تقاضا میکنند که از هیچگونه کمکی برای لغو احکام ضد دمو کراتیک و غیر انسانی دادگاه نظامی ، برای نجات هموطنان بیگناه ما از مرگ و زندان دریغ نوزند . پیروزی در این نبرد متحد برای لغو احکام جابرانه دادگاه فرمایشی و رهائی زندانیان ، در عین اینکه جان عده ای از جوانان روشنفکر و ارزنده کشور ما را از خطر بزرگی نجات میدهد خود گام بسیار مهمی در راه استقرار دمو کراسی و آزادی در مهن ما است . همه با هم در راه لغو احکام جابرانه و آزادی زندانیان سیاسی ! همه با هم در راه استقرار اصول آزادی و دمو کراسی در ایران ! کمیته مرکزی حزب توده ایران ۱۳ آبان ماه ۱۳۴۴

برای طراحی و خرید ماشین آلات و تجهیزات و هزینه های غیر ریالی کارشناسان مورد نیاز و مخارج کارآموزی افراد ایرانی از جانب اتحاد شوروی با بهره ناچیز ۲٫۵ درصد در اختیار ایران گذارده خواهد شد . پرداخته های ایران بابت استهلاک اعتبارات دریایی بصورت ریال بوده و تماماً صرف خرید کالا های ایران جهت صدور بشوروی خواهد شد . برای طراحی و ساختمان و تهیه ماشین آلات و نصب آنها حد اکثر استفاده از منابع و امکانات فنی و صنعتی ایران بعمل خواهد آمد . قرارداد شامل مجموعه ای از کارخانه های ذوب آهن ، کک سازی و سیمبانی و تهیه مواد نسوز و تعمیرگاهها و آزمایشگاه و معادن آهن و زغال سنگ و سایر تأسیسات مربوطه خواهد بود . کارخانه ذوب آهن دارای سیکل کامل تولید بوده و شامل کارگاههای تولید چدن ،

باره موفقانته فنی و اقتصادی مشغول مذاکره بودند . تهران آکونومیست ، نوشت : «مطمئنیم که چنانچه کشورهای غرب که با ما همسنگی اقتصادی دیرین دارند حاضر شوند با شرایطی نظیر شرایط پیشنه های شوروی و حتی مختصری گرانتر از آن برای ایران ذوب آهن ایجاد کنند شاهنشاه ... انرا بلافاصله مورد قبول قرار خواهند داد» این اعتراف شاید معنایی بیش از یک تمارف عادی داشته باشد . در چنین شرایطی بود که شاه اجباراً ساختمان کارخانه ذوب آهن را بشورویها واگذار نمود . و اتحاد شوروی با سهولت ترین شرایط حاضر شد در ایجاد صنایع ذوب آهن و ماشین سازی بایران کمک کند . قرارداد ایران و شوروی فارغ از هرگونه شرایط سیاسی و نظامی و اقتصادی خواهد بود . اعتبارات لازم بمناسبت سی امین سالگشت کنگره هفتم کمینترن (بین الملل سوم) روز های ۲۱ - ۲۴ اکتبر در شهر پراگ بنا بدعوت مشترک کمیته مرکزی حزب کمونیست چکوسلواکی و هیئت تحریریه مجله «مسائل صلح و سوسیالیسم» جلسه برخوردار شد بین نمایندگان احزاب شرکت کننده در نشر این مجله برگزار شد . این جلسه به یادبود هفتمین کنگره کمینترن (بین الملل سوم) تخصیص یافته بود که در سال ۱۹۳۵ تشکیل یافت . هفتمین کنگره کمینترن یکی از رویداد های مهم تاریخ جنبش کارگری و کمونیستی است و هنگامی برگزار شد که فاشیسم زمینه جنگ خانانوسوز نوینی را فراهم میساخت . سخنرانان اصلی این کنگره عبارت بودند از : دیمیتروف (صدر کمینترن - نماینده بلغارستان) در باره «تعرض فاشیسم و وظائف کمینترن در مبارزه برای وحدت طبقه کارگر علیه فاشیسم» ؛ مانوئسکی (شوروی) در باره «پیروزی سوسیالیسم در اتحاد شوروی» ؛ تولیاتی (ایتالیا) در باره «وظایف کمینترن در مقابل تهیه ای که امپریالیست ها برای جنگ جهانی نوین می بینند» . کنگره هفتم پس از تجزیه و تحلیل علمی دقیق فاشیسم و خطرات آن و چگونگی مبارزات ضد امپریالیستی به نتایج رسید که

مبارزه متحد برای نجات زندانیان بدست آمده است . ولی این اعتراضات اضطرابی از اسلوب عادی دادگاههای نظامی بهیچوجه تغییری در جنبه ضد دمو کراتیک و جابرانه احکام صادره نینماید . کمیته مرکزی حزب توده ایران شدیداً باین عمل غیر قانونی و ننگین رژیم استبدادی ایران اعتراض میکند و بار دیگر پشتیبانی بی دریغ و همه جانبه خود را از جنبشی که از جانب دانشجویان مهن پرست برای دفاع از منتهمن بوجود آمده اعلام مینماید و بدانشجویان دلبری که بدین منظور از روز دو شبه سوم تا ۱۲ آبانماه در کشورهای اروپا و آمریکا دست باعصاب غذا زدند درود پر شور مفرستد و پایان موفقیت آمیز آنرا تبریک میگردد . حزب ما از تمام آزادیخواهان جهان که همبستگی خود را بصورت تشکیل کمیته های دفاع از زندانیان و ارسال نامه ها و تلگرافهای

داد که آزادهای سیاسی و اجتماعی مردم ایران اینچنین گستاخانه و ظالمانه بایمال گردد . حزب توده ایران همصدا با همه مهن پرستان و آزادیخواهان ایران لغو این احکام جابرانه و آزادی زندانیان سیاسی را خواستار است . اعضا حزب توده ایران موظفند بیش از پیش در این مبارزه متحد شرکت فعال داشته باشند ، در کمیته های دفاع از زندانیان سیاسی دوش بدوش سایر مهن پرستان و آزادیخواهان ایرانی برای لغو احکام و رهائی منتهمن هر چه بیشتر بکوشند و از هرگونه فعالیت و ابتکار مفیدی برای انجام این منظور پشتیبانی بنمایند . کمیته مرکزی حزب توده ایران از تمام

بقیه از صفحه ۱

## اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

در باره متهمین حادثه کاخ مرمر

اعتراض آمیز بدولت ایران و مجامع بین المللی ابراز داشته اند صمیمانه سپاسگزار است . اکنون خطری جدی جان عده ای از هم مهنان ما را تهدید میکند و بنا بر این فعالیت بیشتری را برای جلوگیری از جنایت جدیدی که رژیم شاه در پی آنست میطلبد . بهمین جهت ما از همه مهن پرستان ایرانی صرف نظر از گرایشهای سیاسی و تفاوت های مسلکی دعوت میکنیم که بیش از پیش در کمیته های دفاع از زندانیان سیاسی مشگکل شوند و متحداً بر تلاش شرافتمندانه و مبارزه عادلانه خود بنا فزایند . نباید گذاشت که شاه و درخمانش نقشه غیر انسانی خود را اجرا کنند ، نباید اجازه

# تحلیلی از وضع کنونی کشور

سیاست فروش زمین باز گردد؛ ولی میتوان گفت که این مطلب لاقال در صورت داده شرایط کنونی بعید است. رژیم ترجیح داده است تکیه بر روی باصطلاح راه پروری بسط سرمایه داری در روستا یعنی تبدیل ملاکان فئودال به ملاکان سرمایه دار را جانشین سیاست تکیه بر راه باصطلاح آمریکائی یعنی ایجاد فرم متمول و کولاک سازد. این طرز عمل با تمام ماهیت رژیم سازگار تر است.

باین دو عقب نشینی اساسی در برابر سرمایه داران و ملاکان باید عقب نشینی سومی را هم در مسئله مبارزه با فساد افزود. بگیر و ببند های یکی دوسال سال اخیر تقریباً متوقف شده است. معلوم است که شاه پس از آنکه برای جلب نظر حامیان امریکائی منظور راندن امینی از صحنه رقابت؛ خود را بلندآهه کافی مصلح نشان داد بار دیگر مواضع اولیه خویش البته با تغییراتی باز میگردد. ناگفته نگذاریم که فضای سیاسی هم در واشنگتن تغییر کرده است و اگر در زمان کنونی توجهی به گزارشهای واصله و انتقادات امریکائیان و ایرانیان امریکا دوست مخالف شاه میشد، در محیط ریاست جمهوری جانسن چنین توجهی لاقال تغذیه یافته است. سیاست امریکا در مورد امریکائی لائیت نشان میدهد که روش حمایت از رژیمهای محافظه کار و شیوه های محافظه کارانه بار دیگر در دستگاه حاکمه امریکا پیروز شده است و گذشتههای که شاه را بابت هوسناکیهای؛ اولیئمت امریکائی فراگرفته بود رو به تسکین رفته است و وی میتواند مشی مورد علاقه خود را با اطمینان بیشتر ادامه دهد. عقب نشینی و سازش های شاه وی را بمتحدین سنتی اش که مدتی کوتاه با برخی از آنها وارد تصادماتی شده بود بار دیگر نزدیک ساخت. در آن دوران که شاه بملی (که در تز های مصوب پلنوم یازدهم کمیته مرکزی حزب ما توضیح شده) با این دو پایگاه اجتماعی خود وارد برخی مقابله ها شده بود، هم از طرفی مخالفت با رژیم، از جانب راست قوت گرفت و هم خود شاه دست به وامفریبی های چپ و کارگری - دهقانی زد. روشن است که چنین طرز عمل سخت با مزاج ارتجاعی و اشرافی و محافظه کارانه رژیم ناسازگار بود. لذا تعجبی نیست اگر از آن پس از رفع حجت سیاسی مسئله انصراف شد، حال آنکه فقط مخالفت از جانب راست؛ بلکه عوامفریبی های چپ بطور نسبی کمتر شده است. البته این بدان معنا نیست که شاه این عوامفریبیها را کلا کنار گذاشته باشد؛ بلکه بدان معناست که از تظاهرات روزمره آن بخواهی آشکار کاسته شده و الا عوامفریبیهای چپ کارگری - دهقانی بمقابله شیوه های ذخیره های سیاسی هم وارد شده است و هرگاه لازم باشد بدان تظاهر میشود.

## بسط سرمایه داری وابسته

از پدیده های قابل ملاحظه سالهای اخیر بسط سریع مناسبات سرمایه داری در شهر و ده ایران است. چنین نظر میرسد که در سالهای آینده این پروسه با قوت بیشتری ادامه خواهد یافت زیرا شرایط و محملهای لازم برای رشد مناسبات سرمایه داری در ایران بوجود آمده است و هیئت حاکمه و طبقات ممتاز سران دارند که از این شرایط بسط خود و در سمت مصالح طبقاتی خود استفاده کنند. منتها این مناسبات سرمایه داری که در ایران در کار رشد بیشتری است یک سرمایه داری مستقل ملی نیست بلکه سرمایه داری کومپرادوری و یا وابسته سرمایه انحصاری امریکائیتی است. در واقع رژیم مسئله راه رشد کشور را که در سالهای اخیر مورد بحث محافل ایران بود بسط مصالح طبقاتی خود حل کرد. سیاست در های باز، گرانان قائلون فوق العاده مساعدی برای سرمایه گذاری خارجی از مجلس و تشویق همه جانبه شخص شاه از این سرمایه گذاری، سرکوب خشن نهضت ملی و دمکراتیک ایران بمثابه شرط و محمل اجتماعی برای تأمین امنیت سرمایه گذاری امریکائیتی خطوط اساسی سیاست رژیم برای کشودن هر چه وسیعتر دروازه های کشور بروی انحصار های امریکائیتی است اکنون کشور های امریکا، انگلستان، آلمان غربی، فرانسه، ایتالیا، بلژیک، ژاپن و غیره در ایران در تمام زمینهها؛ بازرگانی خارجی، صنایع و معادن، بانکها، کشاورزی، خدمات و امور فرهنگی (سینما، چاپ کتاب وغیره)

مطالعه واقعیت عینی و مراعات شرایط عینی نماید. لذا آنچه که ما در شرایط کنونی وحال حاضر میخواهیم عبارتست از ایجاد یک اقتصاد ملی و دمکراتیک در برابر اقتصاد ضد ملی و ضد دمکراتیک کنونی ولایتی.

رژیم در کنار ایجاد کومپرادورها و عملی ساختن این تشمهم نشو کولونالیستی دمورد کشورهای رشد یافته چنانکه گفتیم در کشاورزی ایران نیز میخواهد ایجاد ملاکان سرمایه دار دست بزند. سیاستی که راستجائی دنبال میکند بطور عمده سیاست ایجاددهقان متمول بود. شاه نیز در ابتدا باین سیاست روی خوش نشان داد ولی چنانکه گفتیم مقاومت ملاکان، خانهای عشایر و حاکمان وابسته با آنها، همراه بازنشست سرمایه داران بزرگ شاه را در وضعی قرار داد که دست از بیوفائی نسبت به متحد و پایگاه همیشگی خود یعنی ملاکان برداشت. اکنون رژیم از طریق توجه ساختن سهم عمده اعتبارات خود بملاکان میکوشد تا آنها را بملاکان سرمایه دار مبدل سازد. البته این بهیچوجه بمعنای انصراف از پرورش قشر کولاک لاقال در ۱۱ هزار ده تقسیم شده نیست. ملاک سرمایه دار و دهقان متمول دو تکیه گاه عمده رژیم درده خواهند بود. نکته اینجاست که تکیه اساسی رژیم اکنون بایجاد ملاکان سرمایه دار است.

هیئت حاکمه ایران که بیش از پیش مرکب از سرمایه داران وابسته و ملاکان سرمایه دار میشود و در وابستگی کامل اقتصادی و سیاسی و اجتماعی به امریکائیسیم زندگی میکند، مسلماً بیش از گذشته به استقلال ایران و بازاری مردم ایران بیعلاقه میگردد. دشمنی با استقلال و تبعیت از استعمار سیاسی است ضد ملی. دشمنی با آزادی و تبعیت از استبداد سلطنتی سیاسی است ضد دمکراتیک. مشی اقتصادی کنونی شاه محملهای عینی چنین سیاستی را بیش از پیش فراهم میآورد لذا میتوان آنرا در عبارت «رشد ضد ملی و ضد دمکراتیک» خلاصه کرد. سیاست اقتصادی ملی و دمکراتیک که مبتنی بر اتخاذ راه غیر سرمایه داری، تقسیم ادبیکال اراضی، حمایت تولید و توزیع داخلی در مقابل امریکائیسیم، تأمین کنترل زحمکشان، فرپروسه تولید و توزیع، کوتاه کردن دست تاراجگری امریکائیسیم، برنامه گذاری علمی بسود اکثریت جامعه، بسط بخش اجتماعی وغیره است ناگزیر محمل عینی استقلال و دموکراسی را فراهم میسازد این دواره رشد نقطه مقابل یکدیگرند. وظیفه نیرو های ملی و دموکراتیک است که اولاً راه رشد سالم جامعه ما را بدستی از آنک و فرمولبندی کنند. ثانیاً راه رشد مورد قبول رژیم را بدستی خلاجی و نقادی نمایند؛ ثالثاً افکار عمومی را بسود راه نخست و بزبان راه دوم تجهیز نمایند. این نکته مهم و مرکزی است. در زمینه بحث راجع به تکامل اقتصادی کشور در شرایط کنونی نمیتوان موضوع بسط روابط با کشور های سوسیالیستی را در نظر نگرفت. روابط ایران با کشور های سوسیالیستی؛ اتحاد شوروی، لهستان، رومانی، چکوسواکی، یوگوسلاوی در کار بسط یافتن است. پس از مقوله نامه هائی که در مورد سدارنی و تأسیسات آن بین ایران و شوروی امضاء شد اخیراً قرارداد ساختمان ذوب آهن در اصفهان با شرایطی فوق العاده مساعد برای اقتصاد ایران بین ایران و شوروی پراف گردید. این موسسه عظیم که هزارها کارگر و کارمند خواهد داشت و دهها هزار نفر را در گرد خود بفعالیت خواهد کشاند در نوبت اول تنها نیم میلیون تن محصول خواهد داد و در آینده میتوان محصول آنرا دو یا سه برابر ساخت.

حزب ما با تمام قوی حامی بسط همه جانبه روابط ایران و کشورهای سوسیالیستی است و انتقادات چپ روانه و کوتاه نظرانه در این باره او را بسبب تساخته و نسیسازد. در برتر و واقعیت امروز درک این نکته که مخالفت بیابسط مناسبات حسنه ایران و کشورهای سوسیالیستی حتی در شرایط وجود رژیم شاه امری است خلاف بصارت سیاسی، تصور نمیکند دشوار باشد.

تدرید نیست که رژیم میکوشد از این وضع

بسود خود استفاده کند. حتی اگر این جهت منفی را را هم در نظر بگیریم روش کشور های سوسیالیستی در طول مدت با توجه بسیر عمومی تاریخ جهان هم برای ما مهم برای عقب زدن امریکائیسیم و دمکراتیزه کردن محیط در کشورها و مهم برای سرزشت سوسیالیسم جهانی منفعت انگیزانه بسیار خواهد داشت. بیکی آزادی منافع سیاست کشور های سوسیالیستی عبارت است از مجبور ساختن امریکائیسیم به کاستن از حدت شرایط اسارت آور خود، بسط بخش سالم اقتصادی ما، رشد طبقه کارگر، از میان رفتن نسبی بیکاری، بالا رفتن قدرت مولده داخلی و غیره و غیره.

وظیفه ملی و میهنی ما مخالفت با این روابط نیست بلکه برعکس موافقت با آن و ملایمتن بسط دائمی و روز افزون آنست. این امر تناقضی با مبارزه دائمی ما با رژیم ندارد و نباید یکی دیگری را نفی کند. تا زمانی که رژیم سیاست ضد ملی و ضد دموکراتیک کنونی خود را دنبال نمیکند، برای نیرو های ملی و دموکراتیک راهی جز مقابله با او نیست.

## دموکراسی و استقلال

باتوجه بسببست عمیقاً ضدملی و ضددموکراتیک رژیم روشن است که دموکراسی و استقلال بدو شعار مرکزی نهضت ملی و دموکراتیک مبدل میگردد. مشی کومپرادوری کردن اقتصاد ایران، قرار داد سنتی، قرار داد دوجانبه ایران و امریکا، قرارداد کاپیتولاسیون بسود مستشاران امریکائی و غیره ایران را بیش از پیش از استقلال واقعی محروم میکند. وقتی ما از ضرورت حفظ استقلال سخن میگوییم این بدان معنا نیست که مخالف هر گونه رابطه های با جهان غرب هستیم و هرگونه وام، سرمایه گذاری بازرگانی، همکاری صنعتی و غیره را تکفیر میکنیم. ما بخوبی میدانیم که در جهان امروز زندگی جدا و بیکه و تنها میسر نیست. جهان بیش از پیش با هزاران بیوند بهم متصل میگردد ولی استقرار روابط بر پایه برابری حقوق، بر پایه مصالح طرفین چیزی است و تبعیت از کشور های امریکائیتی بزبان مصالح ملی چیز دیگر. مرامات استقلال، حفظ روابطی را که چیز دیگر، بر اساس برابری حقوق و مبتنی بر مصالح طرفین باشد نفی نمیکند. ایران اتفاقاً با کشور های سوسیالیستی اکنون چنین روابطی دارد. ما به فقط مخالف آن نیستیم بلکه چنانکه گفتیم بسط بیشتر آنرا هم توصیه میکنیم. ولی کافی است فعالیت امریکائیسیم در امریکای انگلیس آلمان غربی و غیره در زمینه نفت، رشد صنایع بازرگانی، سیاست پرداختی وغیره با روش های سوسیالیستی مقایسه شود تا تفاوت ماهوی دو برخورد و دو روش را در بیابیم.

وقتی ما از عدم استقلال دولت ایران صحبت میکنیم این مطلب را بشکل ساده نمیفهمیم یعنی تصور نمیکند که دولت ایران در امور روزانه خود از این یا آن سفارت امریکائیتی دستور میگردد. اکنون شاه و هیئت حاکمه ایران کسب مهارت کرده اند. آنها از تناقضات بین امریکائیسیم و حتی از تناقضات درونی هیئت حاکمه کشور های بزرگ امریکائیتی بوسیله انواع زد و بند ها و بسود مقاصد خود استفاده میکنند هم چنین ما بخوبی میدانیم که دولت ایران که با این یا آن امریکائیسیت وارد مناقشات میشود ولی در مجموع از امریکائیسیم جهانی تبعیت میکند و مصالح ایران را پامال آنها میسازد و ضرورت ایران را در پای آنها میزیزد. کسوسیسوم نفت طی دهسال گذشته ده برابر سرمایه اصلی خود سود خالص برده است. فقط همین رقم کافی است که غارتگری امریکائیتی را که به برکت رژیم شاه انجام میگردد نشان دهد. و اما در مورد دموکراسی آیا لازم باینست است که در ایران از جهات عدیده دموکراسی بمعنای اصل و واقعی گلمه یعنی آزادیهای دموکراتیک، حقوق دموکراتیک، حکومت قانون و شرکت مردم و خلقها در تعیین سرنوشت خود اثری نیست؟ رژیم ملیتاریستی و پلیسی موجود آزادیهای دموکراتیک را تعطیل کرده، حقوق دموکراتیک مردم را سلب نموده و حکومت خودسری و ترور را جانشین حکومت قانون ساخته است. قریب صد سال است ایرانی برای عدالت اجتماعی، برای اجراء قوانین مبارزه میکنند و امروز پس از صد سال غیرموجود وجود کوهی از قوانین، مجلسین، دادگستری و این و اوخر، خانه انصاف، ابتکار، گماکان در دست بقیه در صفحه ۶

چند روز پیش دادرس بدوی چهارده نفر مهندس معلم و دانشجو که هفت ماه قبل باتهام توطئه برای سوء قصد بجان شاه و عضویت جمعی با مرام اشتراکی ، بازداشت شده بودند با صدور حکم اعدام دو نفر و حبس ابد برای یک نفر و حبس سزای دیگران بایان یافت ولیکن تنگ دیگری برده امان آلوده بخون محاکم نظامی و حکومت جبار شد نشست . در این مقاله براساس مندرجات گزارش رسمی جریان امر از آغاز تا پایان کار دادگاه دستوری نظامی تحلیل میشود :

**تیراندازی بشاه**

روز ۲۱ فروردین امسال هنگامیکه شاه از کاخ اختصاصی یکاخ مرمر وارد شد تا بدتر کار خود برود ، ضامش آبادی ، سرباز یمنی کرد ، باصلاح خود کار او را هدف گلوله قرار داد که در نتیجه دوری او از شاه و فرارش بداخل کاخ و برخورد شمس آبادی با مأموران مسلح بی ثمر ماند و در حالیکه تیر خورده و زخمی با شجاعت کم نظیری فرارگناه شاه میرفت از پای درآمد . روز هشتم اردیبهشت ماه مقامات رسمی دولتی اعلام کردند که عمل شمس آبادی بر اثر «توطئه» بوده است که در تحقیقات فاش گردیده و توطئه کنندگان دستگیر شده اند . در اطلاعیه گفته شده بود : افرادی که دستگیر شده اند «اعتراف» کرده اند .

**رضا شمس آبادی کیست ؟**

دادستان نظامی او را چنین توصیف میکند : « شمس آبادی نویسنده و بنجاه تومان نداشت که برود یکدستگاه نساجی درست بکند میخواست بگردد جاوید برود اما قش کوتاه بود و نندیزفته اند . یک آدم با این ترتیب نازاحت که از بچگی هم هر وقت جائی رفته و در دستگهای کار کرده و پدرش هم چند تا زن گرفته و تاراجی داخلی هم داشته امیدی بزندگی نداشته این آدم نزاراحتی است . . . در جنای دیگر باستناد اظهارات یکی از متهمان که مورد قبول اوست میگوید : دوستی در باشاه دارد که جزء سربازان نگهبان کاخ مرمر است . جوانی است فوق العاده پرشور و تندخو با معلوماتی کم و در عین حال تنگدست این شخص بارها قصد نموده است تا نسبت بحیات امعلیحضرت همایون شاهنشاهی سوء قصد نماید . . . باین ترتیب او جوانی بوده پرشور و زنده ای ، بی باک و نترس که در اجتماع ایران تحت فشار زندگی قرار گرفته و در دوران زندگی کوتاه خود که مقارن باجریانات حدسی سیاسی در کشور بوده باین نتیجه رسیده است که متشاء تمام مقاصد حکومت غیر ملی ایرانست و چون شاه را مظهر این حکومت و سرور شاه دار افعال آن تشخیص داد باین تصور که با مرگ شاه حکومت وازگون و اوضاع دگرگون میگردد در مقام قطع ریشه فساد بطور فردی از راه « ترور » برآمده و بهین دلیل هم وارد کار شده است .

متهمان چهارده نفرند که برابر کیفر خواست دادستان سن آنها بین ۲۰ و ۳۰ سال و فقط آقای شریف ۳۶ ساله است . اکثر متهمان از مهندسان تحصیل کرده در خارج و دانشجویان با استعداد هستند .

**پرونده سازی با شرکت شاه**

با آنکه رضا شمس آبادی در جریان کاخ مرمر کشته شد و بار دیگر شاه بقیمت خون دو نفر مستحفظ خود از حادثه بیسلامت جست . دستگاههای تأمیسی بدست و با افتادند تا « مجرکینی » را پیدا کنند زیرا در کشور شاهنشاهی با این رفاه و آسایش و آزادی که برای همه وجود دارد اقدام فردی برای کشتن « پدر تاجدار » نامقول و بعلاوه کشته شدن یک نفر برای جبران نرس و وحشی که بشاه دست داده بود کافی بنظر ندهید و زهر چشم لازم را از رعایای خویشخت شاه نمیگرفت ! بهر حال کشف توطئه ای لازم بود و بطور طبیعی اتهام دامنگیر آشنایان شمس آبادی میشد . دادستان در کیفر خواست خود تو شیخی در باره چگونگی « کشف توطئه » نمیدهد و بذکر عبارت « با توجه کیفیت و وقوع جرم و اهمیت واقعه بلافاصله موضوع از طریق مقامات انتظامی مورد تعقیب واقع و بعلمت وجود ارتباط (۱) نسبت بدستگیری متهمین بالا اقدام شد ، اکتفا میکنند . تنها چیزی که از کیفر خواست معلوم میشود آنست که ابتدا آقای کامرانی هم ولایتی و هم مدرسه دوران کودکی

# برای آزادی بیگانهان از مرگ وزندان مبارزه کنیم

## جریان دادرسی چهارده نفر متهم بسوء قصد بحیات شاه

### و اقدام علیه امنیت کشور

مارک و تاریخ و بعضاً فاقد خط وامضای متهم است . بعضی از اظهارات دادستان که مستند بجرایم «تحقیق» است در پرونده اثری از آنها نیست . برای آنکه با اصولا دروغ است و یا بصحیحی از درج آن در پرونده خودداری کرده اند مانند برون آقامی منصوری در ساعت نیم بعداز نصف شب نزد شاه که چون انعکاس آن در پرونده دخالت مستقیم شاه را در جریان زجرها و شکنجهها نشان میداده نه در پرونده آمده و نه در کیفر خواست متنها وقتی دادستان در مقابل آقای منصوری در جریان محکمه از جواب و استدلال باز میماند ناچار باشاره بدان میشود که منجر باشائی مطالب میگردد . ماهیت این دادگاه دستوری از روی قرارلاحتی خود تصدیق بکامل بودن پرونده و عدم توجه با اعتراضات متهمان و وکلای مدافع آنها از همان آغاز کار بچشم میخورد .

**جریان دادرسی از لحاظ شکل**

شاه و مأموران او که به پیروزی خود با تکیه به پرونده های ساختگی و تضعیف روحیه متهمان در مدت ششماه بوسیله مأموران عذاب یقین داشته اند در های محکمه را بروی «خبرین جرائد» خورشان متهمان و عده محدودی تماشاگر باز میگذارد نشان دهند که برخلاف آنچه گفته شده در ایران محاکم آزاد و عدل و داد برقرار است . اما واقعیت عکس این نشان داد زیرا جرایم محکمه معلوم کرد که همه آنها رباکاری و دغلبازی است . در پس پرده آزادی ورود مخبرین جرایم ، دستور عدم انتشار مذاکرات حساس محکمه بویژه اظهارات متهمان و وکلای مدافع آنها ، برزننامهها داده شده بود و این مطلب وقتی فاش شد که یکی از وکلای مدافع « سرهنک بهرهور » در جریان دفاع اظهار کرد : « آنچه که بنده ذردفاع از موکلیمت عرض کردم با آنچه که در روزنامهها نوشته شده یکسان نیست و وسیم اضافه نمود که روزنامهها مطالب را تماماً چاپ نمیکنند ، روزنامه کیهان این مطلب را باین نحو در شماره سوم آبانماه خود توجیه و تأیید کرد : « در زمینه مطالب سرکار سرهنک بهرهور باید گفت این روزنامه از بدو تشکیل دادگاه کوشش کرده است تا موضوعات مهم و قابل توجه را ( ! ) با رعایت انانیت هر چه بیشتر منعکس نماید . اما در این راه توانشکال وجود دارد که یکی محدود بودن صفحات روزنامه از لحاظ درج کلیه مطالب و دیگری سرعت ایراد بیانات از طرف دادستان و وکلای دادگاه است . . . شباهت کامل مندرجات کیهان ، اطلاعات و سایر روزنامهها در باره جریان دادگاه جای تردید باقی نمیگذارد که تشخیص مطالب مهم و قابل توجه از اختیار آنها خارج و بدست مراجع دیگری بوده است .

اگر بصفحات روزنامه های بزرگ تهران مراجعه شود معلوم میگردد که بیشتر مندرجات آنها اظهارات مکرر دادستان است که غالباً مستقل بسخن میاید و در میان دفاع وکیل مدافع و متهم میدود حتی در آخرین دفاع متهمان دخالت میکند و برود درازی میردازد . دادستان مکرر بصفحاتی از « پرونده » استناد میکند که وکیل مدافع منکر وجود آنهاست و قوالت آنها را در دادگاه تقاضا میکند ولی دادستان میگوید « لازم نیست محکمه قبول دارد . بررکهای بازجویی غالباً بدون تاریخ است و وقتی دادستان از وکیل مدافع سوال میکند « تاریخ آنرا بگویند ، سرهنک شاهقلی میگوید : « صفحات بازجویی تاریخ ندارد که من بگویم چه تاریخی بوده اسم کسی هم که بازجویی کرده معلوم نیست . دادستان از این حقیقت کوشی عصبانی میشود و برپرس میگوید « اجازه ندهید مطالبی که مربوط بدفاع نیست ایراد شود و اجازه ندهید که وکلای مدافع خارج از حدود سخن بگویند . دادستان عملاً از قوالت بعضی بررکهای پرونده که در آنها مسائل

اجتماعی بهمیان آمده جلوگیری میکنند و بیم دارد که مطالب آنها منتشر شود ، رئیس دادگاه که باید پس از قرائت کیفر خواست و بیان ادعای دادستان بسؤال از متهمان بپیردازد و پس از آن بدفاع متهم و وکیل او گوش دهد حتی در آخرین دفاع متهم هم دخالت میکند سؤال طوح میماند و رشته منطقی سخن گوینده را پاره میکند . اینها شمه ای از جریان کار دادگاه « دوکرات » نظامی از لحاظ شکل قضائی است که حاکی از نقض عدلی ترین مقررات دادرسی است .

**جریان دادرسی از لحاظ اصل محاکمه و محتوی آن**

استدلال دادستان برای اثبات توطئه در مورد دو نفر از متهمان آشنائی آنها بارضامش آبادی و اطلاع آنها از قصد او و در مورد نفر سوم آشنائی او با یکی از این دو نفر و آگاهی از وجود و قصد شمس آبادی وبلاخره در مورد نفر چهارم یعنی اقامت نیکخواه آشنائی او با نفر سوم است . دادستان مدعی است که آشنائی نیکخواه دارای مرام اشتراکی است و با آقای منصوری در انگلستان هنگام تکمیل آشنایان شده و کتب مارکسیستی خوانده اند ، در سازمان دانشجویان ایرانی فعالیت داشته اند ، در باره مسائل سیمسی بلوک شرق بخصوص به بحث با دیگران پرداخته و چون اوضاع سیاسی و اقتصادی کشور ایران برای آنها در خارج نامعلوم و غیر قابل ارزیابی بوده لذا تصمیم میگیرند مسافرتی بایران نموده وضعیت را از نزدیک مورد مطالعه قرار دهند ( مطالب مستخرج از ادعانه دادستان که در شماره ۱۸ کیهان درج گردیده ) . دادستان کوشش میکند که آقای نیکخواه را بصورت رهبر جمعیتی که دارای رویه اشتراکی است معرفی کند و سپس با استدلال و فرضیه مضحکی او را بجرایم « توطئه » بچسباند . دادستان در کیفر خواست میگوید : « در مورد واقعه کاخمرمر نیز پرویز نیکخواه که در حقیقت گرداننده رهبر جمعیت متشکله بوده . . . و بوسیله احمد منصوری . . . با توطئه کنندگان دائمی در تماس بوده است ، از چگونگی سوء قصد نسبت بحیات امعلیحضرت همایون شاهنشاهی و اقدامات عناصر مزبور مستحضر بوده است گواینکه محکمه در مراحل تحقیقاتی اظهار نموده است که با هرگونه ترور و سوء قصدی مخالف بوده و آنرا از لحاظ بهره برداری مفید بحال جمعیت نمیداند ( در سرتاسر پرونده نیکخواه اثری از اقرار بوجود جمعیت نیست ) . لیکن با توجه به مفاد و مقصود نهائی ترتیبیه شده بوسیله خود متهم که هدف انقلاب در تصرف قدرت دولتی بمنظور از بین بردن رژیم مشروطه ایران و استقرار جمهوری دموکراتیک ملی خلق تصریح و اعلام نموده است بخوبی معلوم میشود که در این مورد هم پرویز نیکخواه از کلیه عملیات و فعالیتهای خائنه توطئه کید ، با اطلاع بوده . در واقع دادستان هیچگونه دلیل و مدرکی حتی در پرونده ساخته شده داور با اطلاع آقای نیکخواه از وجود شخصی بنام شمس آبادی و قصد ترور شاه ندارد ولی چون او آشنائی آشنای شمس آبادی یعنی آقای منصوری را میشناسد و با آنکه آقای منصوری در « اعترافات » خود زبر سخت ترین شکنجهها و در پیش شاه هم نیکخواه را متهم با اطلاع از وجود شمس آبادی و قصد او نکرده حتی او را مخالف ترور بطور عمام دانسته مع الوصف با استناد بلینکه در تزهاری مکشوف در خانه نیکخواه هدف انقلاب تصرف قدرت دولتی و استقرار جمهوری دموکراتیک ملی خلق را شریک در توطئه سوء قصد ، بشاه ایران میداند منتها چون حستش بانها نمیرسد علیه آنها اقامه دعوا نمیکند! باید گفت زهازه واحسنت و آفرین بر این استدلال !

استدلال دادستان در مورد کامرانی سابقه آشنائی او بارضا شمس آبادی درکاشان در دوران کودکی و فعالیت آنها در حزب مردم در کاشان و برخورد و ملاقات او در سه یا چهار بار با شمس آبادی پس از سالها در تهران است یعنی هنگامیکه شمس آبادی در لشکر وارد بوده است ، در مورد مهندس منصوری هم آشنائی با کامرانی در کارخانه ارج و بوسیله او اطلاع از سوء قصد شمس آبادی و بعلاوه عضویت در جمعیت با رویه اشتراکی است . در مورد آقای شریف دلیل دادستان آشنائی شریف با خانواده کامرانی در بقیه در صفحه ۵

**چرا و چگونه دادگاه تشکیل شد**

بازداشت بیبدلیل مهندسین و دانشجویان و زجر و شکنجه آنها مویی از خشم و نفرت و اعتراض در داخل و خارج کشور برانگیخت . تحت فشار محافل ایرانی در خارج از کشور و محافل مختلف خارجی (که شرح آن در شماره های گذشته مردم و همعین در این شماره با تفصیل بیان شده و بهمین جهت از تکرار آن خودداری میشود) شاه که در داخل ملکیت بی آبرو است و فقط مناسک دمکرات مآبی را در خارج از کشور بصورت میزند ناچار شد دستور تشکیل دادگاه ظاهراً علنی را صادر کند .

**دادگاه ناصالح**

از کیفر خواست دادستان نظامی نوع اتهامات وارد پیدا است که جرم مورد ادعا سلبانی است و شکلی نیست که متهمان هم غیر نظامی هستند . بنابراین موازین قانونی اتهامات سیاسی باید در یک دادگاه غیر نظامی با حضور هیئت منصفه مورد رسیدگی قرار گیرد . موضوع اتهام نسبت بدستور شرکت در دست و جمعیتی با مرام و رویه اشتراکی و ضدیت با سلطنت مشروطه ایران و در مورد سه نفر علاوه بر این اتهام ادعا شرکت آنها در توطئه بمنظور سوء قصد بحیات شاه است که بنا بتوضیحات دادستان هدف آن تغییر رژیم سیاسی ایران بوده است . در مورد یک نفر هم اتهام بنام توطئه بمنظور سوء قصد که هدف آن بتوضیح دادستان نظامی تغییر رژیم سلطنتی بوده میباشد . بنابراین ارجاع پرونده باین محکمه که سنگ اول بنای دادرسی است برخلاف اصول و قوانین موضوعه و تصمیمات آل باطل و غیر قانونی است . علاوه بر این پرونده « تحقیقات » علیرغم کوشش بازپرسان نظامی چنان مغلوب بی سرنو و ساختگی است که از هر جهت ناقص و فاقد اعتبار است . اوراق بازجویی غالباً بدون



# جنبش بیسابقه دفاع از زندانیان سیاسی در ایران

میهن پرستان ایرانی صرف نظر از عقاید سیاسی آنها با تمام نیروی خود دفاع میکنند. دفاع بیگنر و بلا اقطاع رادیوی پیک ایران و مطبوعات حزب ما و شرکت فعال سازمانها و افراد حزبی در این جنبش و همکاری صادقانه با همه نیروها و سازمانهای ملی گواه راستی است بر اینکه حزب ما از حقوق و آزادیهای دموکراتیک برای همه مردم دفاع میکند و خواستار و پشتیبان مبارزه متحد بر ضد رژیم است که آزادی و عدالت را پایمال کرده است.

بدون تردید مبارزه برای دفاع از زندانیان سیاسی بیابان نرسیده است. نه فقط باین دلیل که خواستههای اساسی میهن پرستان ایران در مورد محاکمه متهمین حادثه کاخ مرمر هنوز بر آورده نشده، بلکه بویژه باین دلیل که تمام مبارزان راه آزادی و استقلال ایران در معرض ترور پلیسی قرار دارند. صد ها نفر از میهن پرستان در زندانها اسیرند. دادگاههای فرمایشی نظامی در هر فرصتی گروه جدیدی از مخالفان رژیم را از آزادی و زندگی محروم میکنند. دستگاه شکنجه همچنان بر پاست. سازمان امنیت حاکم بر جان و مال و ناموس و آزادی مردم است. بنظر ما از فرصتی که پیش آمده باید برای ایجاد جنبش براتحاد وسیع تری در دفاع از همه زندانیان سیاسی استفاده کرد. در خارج از کشور که آزادی نسبی وجود دارد میتوان کمیته های ایرانی دفاع از زندانیان سیاسی بوجود آورد که جنبه دائم داشته باشد. در این کمیته ها همه نیروهای ملی و همه مخالفان رژیم میتوانند و باید شرکت کنند و بمبارزه متحد دست بزنند. این کمیته ها قادر خواهند بود کمیته های خارجی دفاع از زندانیان سیاسی در ایران را توسعه دهند و تقویت کنند و با استفاده از تمام امکانات و ابتکارات در راه دفاع از حقوق و آزادیهای مردم ایران بکوشند. ما این پیشنهاد را در گذشته کرده ایم. اکنون یکبار دیگر آنرا تکرار میکنیم و از همه میهن پرستان ایران میطلبیم که این نخستین گام جدی را در راه یک مبارزه متحد و همه جانبه با همان شور و صداقت و جدیتی که جنبش اخیر را بوجود آورده اند بر دارند.

و عمیق تر کرد. از امکانات جدید استفاده نمود. ابتکارات تازه بخرج داد و مبارزه برای نيل به پیروزی های تازه و قابل ملاحظه را گرم نگاهداشت.

(۲) جلب پشتیبانی مجالل اجتماعی خارجی و مجالل مختلف بین المللی نشانه دیگری از تأثیر این جنبش است. مسئله دفاع از زندانیان سیاسی در ایران و استقرار حقوق و آزادیهای دموکراتیک در میهن ما جنبه بین المللی پیدا کرده است. مسلم است که در این زمینه هنوز تمام امکانات استفاده نشده است. این وظیفه ای است که در مبارزات آینده در برابر جنبش قرار دارد.

(۳) شاه و سایر زمامداران رژیم که با تمام قوا میکوشند ظاهر دموکراتیک رژیم ترور و استبداد حاکم در ایران بدهند ضربه شدیدی خوردند. افکار عمومی جهان بمقیاس وسیعی از واقعیت زندگی در ایران آگاه شده است.

اعتراض نمایندگان مجالس و شخصیتهای برجسته و مطبوعات معتبر و صاحب نفوذ کشور های خارجی چیزی نیست که شاه بتواند آنرا ندیده بگیرد. چهره واقعی شاه که برای مردم ایران روشن است بتدریج برای مردم جهان نیز آشنا میشود.

(۴) اتحاد دانشجویان و تمام نیروهای ملی که با صداقت و همبستگی بیسابقه ای علیه رژیم اختلاف عقاید سیاسی خود بدفاع از متهمین بیگناه پرداخته اند پدید آمده بخش و شایان تحسینی است که بویژه باید در مبارزات آینده توفیق قرار گیرد. یکبار دیگر بوضوح ثابت شد که آنجا که اتحاد وجود دارد مبارزه آسان تر، وسیع تر و عمیق تر است و امکان پیروزی بیشتر.

(۵) حزب ما بار دیگر نشان داد که از همه

جنبشی که بلافاصله پس از دستگیری ۱۴ نفر از روشنفکران ایرانی باتهام بی اساس شرکت درحادثه کاخ مرمر در خارج از کشور بوجود آمد، با تشکیل دادگاه غیر قانونی و تقاضای اعدام برای چهار نفر از متهمین دامنه وسیع و حتی بیسابقه ای بخود گرفت. بدنبال تشکیل کمیته های دفاع از زندانیان سیاسی در ایران در انگلستان و فرانسه کمیته های دفاع جدیدی از شخصیتهای برجسته اجتماعی و فرهنگی در آلمان غربی و ایتالیا تشکیل شد. این کمیته های دفاع بفعالیت جدی در نزد مقامات ایرانی و مراجع بین المللی برای تشکیل دادگاه قانونی و تأمین آزادی دفاع برای متهمین پرداختند. گروهی از نمایندگان پارلمان ایتالیا در همین زمینه طی نامه ای ببولت ایران اعتراض کردند. سازمان بین المللی غفو نمایندگان رسمی خود را به ایران فرستاد. سازمانهای بین المللی جدیدی از جمله سازمان دموکراتیک زنان در ابراز همبستگی با میهن پرستان ایرانی شرکت کردند. در همین موقع بنا به ابتکار کنفدراسیون جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی، نمایندگان دانشجویان ایرانی در بسیاری از شهر های اروپا و آمریکا دست بااعتصاب غذا زدند. این اعتصاب غذا در دو مرحله انجام گرفت. مرحله اول از ظهر روز سوم آبان ماه در آلمان غربی اتریش، ایتالیا، فرانسه، انگلستان، سوئیس و آمریکا شروع شد و روز ششم آبان ماه پس از ۷۲ ساعت پایانی یافت. مرحله دوم اعتصاب بدون مدت بود. نمایندگان دانشجویان ایرانی از کشورهای اروپائی فوق الذکر در شهر کالیفرنیا در آلمان غربی گرد آمدند و از روز ۱۷ آبان ماه در اعتصاب غذای بدون مدت شرکت کردند. خواست اعتصاب کنندگان دخالت سازمان ملل متحد در امر بازداشت و محاکمه غیر قانونی روشنفکران ایرانی بود. برای ابراز همبستگی با اعتصاب کنندگان دانشجویان ایرانی دانشگاه باتریم لومومبا در مسکو نیز دست بااعتصاب غذا زدند. بمطووع دفاع از زندانیان سیاسی و شرکت در این جنبش وسیع ملی، کمیته دفاع از ایرانیان مقیم اتحاد شوروی، بلغارستان، رومانی، مجارستان، چکوسلواکی، جمهوری دموکراتیک آلمان و لهستان تشکیل گردید. این کمیته های دفاع نیز بویژه خود بمقامات ایرانی اعتراض کردند و از مجامع

بین المللی خواستار دخالت و پشتیبانی شدند. اعتصاب غذای دانشجویان ایرانی مورد پشتیبانی کامل محافل اجتماعی جهان قرار گرفت. در بسیاری از مطبوعات رادیو ها و تلویزیونهای کشورهای غربی جریان اعتصاب پخش گردید. مطبوعات کشورهای سوسیالیستی از خواست میهن پرستان ایرانی پشتیبانی کردند. این جنبش وسیع و بیسابقه سر انجام اولین نتایج خود را بخشید. دبیرکل سازمان ملل متحد و سازمان بین المللی غفو رسماً به اعتصاب کنندگان قول دادند که برای اجرای خواست آنها در مراجع بین المللی و در نزد مقامات ایرانی اقدامات لازم را بعمل خواهند آورد و تقاضا کردند تا روشن شدن نتیجه این اقدامات بااعتصاب غذای خود خاتمه دهند. باین ترتیب بود که نمایندگان دانشجویان ایرانی پس از ۲۲۰ ساعت در روز ۱۲ آبان ماه پایانی یافت.

از مجموع حوادثی که روی داده و فعالیتهایی که تا کنون انجام گرفته میتوان نتایج زیرین را گرفت:

(۱) جنبش بیسابقه دفاع از زندانیان سیاسی در ایران حاکی از عوق و شدت مبارزه میهن پرستان ایرانی علیه رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک ایران است. سهمی که بویژه دانشجویان و روشنفکران ایرانی خارج از کشور در شرایط کنونی ایفا میکنند در خورد توجه فراوانی است. ابتکارات و فعالیت های کنفدراسیون جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی و روحیه پر شور و مقاوم دانشجویان شایسته هر گونه تحسین و تقدیری است. ظاهر عینی دادگاه غیر قانونی نظامی، تبدیل حکم اعدام از چهار نفر بدو نفر و تریه دو نفر از متهمین نشانه تأثیر این جنبش است. بنابر این میتوان و باید این جنبش را باز هم وسیع تر

ب - اجرا مبارزه با توجه باشکال مختلف عمل و بر اساس تحلیل واقع بینانه غیر سکتاریستی و غیر اپورتونیستی وضع ایران و با دادن شمار های صحیح و قابل درک و هضم و قبول برای اکثریت مردم.

اگر این دو شرط تحقق یابد در صورت وجود شرایط مساعد و استفاده ماهرانه از این شرایط امکان آید پیدا میشود که یک نظام ملی و مدنی جانشین نظام کنونی گردد و تا هنگامی که خلق در مبارزه خود به پیروزی نهائی نرسیده یعنی در صورت نبودن شرایط مساعد حصول این پیروزی لااقل نیرو های ملی و دموکراتیک موفق خواهند شد ثقب نشینی هائی را از جمله در زمینه کاهش از ترور و خود سری به رژیم تحصیل کنند و شرایط فعالیت علمی و از انده سازمانهای ملی و دموکراتیک را برای بسط تأثیر آنها در تحول جامعه در ایران فراهم سازند ما بارها گفته ایم و باز هم میگوئیم: ما میخواهیم نه برای یک مدت کوتاه بلکه برای یکدوران تاریخی در مسائل عمده نهضت با کلیه قوای ملی و دموکراتیک برنامه و زبان مشترکی بیابیم. تصور آنکه میتوان با اعمال پراکندگی احساساتی در قبال رژیم کنونی که دیگر دارای تجربه و شعور طبقاتی است عمل مؤثر کرد کودکانه است. ۱ - سپهر آبانماه ۱۳۴۴

بقیه از صفحه ۲

## تحلیلی از وضع کنونی کشور

و مبارزه این احزاب را در کادر قوانین موافق روح قانون اساسی فراهم میآورد. مردم ایران میتوانند از طریق مبارزات عادی مسالمت آمیز مسائل فرنج جامعه را طی زمان حل کنند ولی رژیم به چوچه کوچکترین تریه ای از چنین درکی نشان نمیدهد. به اصول تروتاد اداره کشور بضرط چماق خونین و بماهیت ضد ملی و ضد دموکراتیک خود سخت وفادار است. رژیم اکنون با پشتیبانی میتوان گفت که مشی کنونی رژیم یعنی وابسته کردن همه جانبه ایران تناقضات جامعه را حل نخواهد کرد. علیرغم یک رشد محدود و ظاهری که رژیم از آن برای عوام قریبی استفاده کرده و خواهد کرد، مصلحت مردم کاهش نخواهد یافت بلکه تضادها و تناقضات تازه بنژهای پدید خواهد شد. تاریخ سر منور رژیم مستبد را خم خواهد ساخت. دوران طولانی ها و درگیریهای تازه در خواهد رسید و سر انجام و علی رغم همه فراز و نشیب ها مشی خلق و آرزو ها و آرمانهای اصیل و عادلانه او پیروز خواهد شد.

در این شرایط مسؤلیت سنگینی منوجه نیرو های ملی و دموکراتیک است. البته اگر رژیم را بحال خود رها سازیم، ممکن است در اثر این یا آن تضاد یا بحر اثر تراکم تضاد های درونی و انفجار این تضاد ها زمانی نظامش مختل شود یا فرو باشد ولی به انتظار تضاد یا تحول خود بخودی نشستن، تسلیم در برابر قضا و قدر و کرنش در برابر خود بخودی است یعنی روشی که شیوه و خصیصه نیروهای آگاه انقلابی نیست.

وظیفه نیرو های آگاه انقلابی تأثیر فعال در جهت تسریع سیر تاریخ است. برای ایجاد تحول در جامعه ایران و بر چیدن بساط رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک و استقرار نظام ملی و دموکراتیک در ایران دو شرط ضرورت دارد:

الف - تجمع کلیه نیرو های ضد رژیم در داخل جبهه واحد و ایجاد ستاد واحد عمل؛

نشان میدهند و محل سفته و انکار باقی نمی ماند. ب - ما بر آنیم که ایران میتواند در شرایط بفرنج کنونی جهان سیاست مستقلانه و بسیار باصرفه ای را بسود خود دنبال کند و نه فقط دست غارتگران را کوتاه سازد بلکه بهترین امتیازات را بسود رشد سریع خود بدست آورد. ایران میتواند صنعت کشاورزی، بازرگانی، زندگی مالی کاملاً سالمی داشته باشد. سیاست وابسته کردن همه جانبه ایران به امپریالیستها که رژیم تعقیب میکند صریحاً ناقض این هدف است رژیم بقاء خود را در وابستگی و در مداخله دادن امپریالیستها در ایران میدانند نه در نيل به استقلال و حال آنکه استقلال همه جانبه سیاسی و اقتصادی محل ضرور رشد ماست.

ج - ما بر آنیم که جامعه ایران برای قبول حد معینی از موازین دموکراتیک اجتماعی کاملاً رشید است. دلیلی ندارد که مثلاً در ترکیه زندگی حزبی و انتخابات آزاد حزبی بنحو گها بیش جدی ممکن باشد و در ایران که مراحل تکامل سیاسی و انقلابی عمیقتری را گذرانده است ممکن نباشد. استقلال رژیم که فقط اقتدار مستبدانه شاه بهترین شکل اداره کشور است پایه ای جز خود بستندی خاندان پهلوی ندارد. ما بر آنیم که اگر ابتکار و اراده مردم در تعیین سرنوشت کشور مداخله داده شود، چشمه های خلاقیت عمومی خواهد جوشید و ایران راه اصیل خود را در تکامل ملی خواهد یافت. دموکراسی بهترین شکل حکومت و بهترین ضامن آن است که جامعه راه اصیل تکامل خود را بیابد و قویترین و مدبرترین و مبتکرترین نیست. مورد اعتماد مردم نیست قادر نیست شور و شوخ مردم را بر انگیزد، قادر نیست رشد جماع و سرپوش جامعه ما را تاهین نماید. ایران را نه فقط در حالت عقب ماندگی نگاه میدارد، بلکه فاصله اش را از جهان پیشرفته بیشتر میکند. این را واقعیت سر سخت

قصاصگاههای درسته نظامی است که فرمان شاه دستور تیر باران با شرف ترین ایرانیان را صادر میکنند. یکی از مظاهر برجسته قدارت دمو کراسی رژیم استبداد سلطنتی، اختیارات غیر محدود شاه و کیش شاه پرستی است. تعلق گوئی به شاهنشاه آریامهر، بعد ظهور آوری رسیده است. مطالب عادی شاه را متملقان درباری بعنوان الهامات آسمانی جامیزند. خود شاه این جریان را تشویق میکند. تمام خاندان پهلوی اکنون موضوع یک رشته تبلیغات تملق آمیز هستند. اختناق و تملق فضای اجتماعی کشور ما را نفرت انگیز ساخته است. فقدان مطلق امنیت قضائی و پامال کردن گستاخانه شخصیت و فضیلت انسانی محیط را بعد اعلی خفه کننند، نموده است.

در چنین شرایط خواست استقلال اقتصادی و سیاسی و خواست دموکراسی بزمهرترین شعار اکثریت مطلق مردم ایران مبدل میشود.

### ما و رژیم

اختلاف ما با رژیم و مبارزه ما علیه آن یک اختلاف احساساتی نیست بلکه یک اختلاف اصولی است. الف - ما بر آنیم که برای رفع عقب ماندگی دربرینه کشور و جلوگیری از بیشتر شدن فاصله ما با کشورهای راقیه باید کلیه منابع طبیعی و انسانی کشور را موافق نقشه علمی بسیج کرد و آهنگ رشدی جامع و نیرومند پدید آورد و طوری عمل نمود که ایران طی چنددهه بتواند بسطح جهانی تولید، توزیع و فرهنگ برسد. لازمه اجراء این وظیفه بودن رژیمی است که به اجراء چنین سیاستی علاقمند و معتقد باشد و مورد اعتماد و حمایت اکثریت مطلق مردم قرار گیرد و شور و شوق آنها را بر انگیزد. رژیم موجود به چوچه چنین رژیمی نیست. مورد اعتماد مردم نیست قادر نیست شور و شوخ مردم را بر انگیزد، قادر نیست رشد جماع و سرپوش جامعه ما را تاهین نماید. ایران را نه فقط در حالت عقب ماندگی نگاه میدارد، بلکه فاصله اش را از جهان پیشرفته بیشتر میکند. این را واقعیت سر سخت

## رادیوی پیک ایران

همه روزه در ساعت ۶ و ۸ بعد از ظهر بوقت تهران بر روی امواج کوتاه ۲۵ - ۲۶ - ۳۱ متر برنامه پخش میکند.

رادیوی پیک ایران زبان گویای همه میهن پرستان و آزادخواهان ایرانی است.

رادیوی پیک ایران را بشنوید و شنیدن آنرا بدیگران توصیه کنید.

# وام پانزده میلیارد ریالی همراه با تحریک احساسات ملی

لاشه وام ۱۵ میلیارد ریالی برای باصلاح تقویت ارتش روز ۱۸ آبان بقیه دو فوریت بمجلس رفت و بلافاصله در روز بعد با شعار «ارتش ما فوق همه» از تصویب گذشت. حال با این وام که قرار است با بهره سالانه ۵ درصد از ایالات متحده آمریکا و آلمان غربی و اسیاناً کشورهای دیگر گرفته شود میخوانند ناو جنگی و جت و موشک از آمریکا بخرند. همین یک سال پیش بود که وام دیگری مبلغ ۲۰۰ میلیون دلار (در حدود ۱۵ میلیارد ریال) برای خرید اسلحه از آمریکا اخذ شد. نکته مشترک در این هر دو وام این است که فرستادن لواحق قانونی آنها به مجلسین با جوارو جنگال تبلیغاتی بزرگی در باره خوزستان همراه بود. هم در سال گذشته و هم در سال جاری ضرورت اخذوام را با برخی دعای رسمی و غیر رسمی بی اساسی که در یکی دو کشور عربی راجع به استان خوزستان شده مربوط کرده اند. ولی بانگ دقتی در واقعیت اوضاع میتوان دید که استناد بیان دعای از طرف مقامات دولتی ایران جزبانه برای توجیه سیاست ضد ملی وام گرفتن از کشورهای امپریالیستی چیز دیگری نیست. دستکام تبلیغاتی رژیم میخواند چنین وانمود کند که گویا اگر این دعای در این یا آن کشور عربی نمیشد آنها در مقام اخذ چنین وامهایی برنمیآمدند. ولی مردم که در گذشته فریب تیرنگ های دولتهای شاه را نخوردند این بار هم فریب نمیخورند. بی شاه میخواست ایران را وارد پیمان بغداد دیروز و سنتو امروز کند از خطر موهوم «تجاوز» از طرف اتحاد شوروی دم میزد، هنگام انعقاد قرار داد نظامی دو جانبه با آمریکا و قبول دکترین ایزنهاور هم

بوجود همین باصلاح «خطر» استناد میکرد. باین طریق او رشته های وابستگی ایران را به ارايه جنگی نیروهای متجاوز امپریالیستی روز بروز محکمتر ساخت. ولی گذشت زمان بظان کامل این دعای را در عمل نشان داد و شاه و دولتهای او را و داشتن برای توجیه ادامه سیاست ملیتاریزه کردن کشور در جای دیگری به جستجوی «خطر تجاوز» بپردازند. سیاست ضدملی شرکت در بلوکههای نظامی و طرفداری رژیم شاه از سیاستهای امپریالیستی همواره باعث نگرانی جدی کشورهای همسایه و بالنتیجه عامل اساسی تیرگی روابط آنها بوده است. این نگرانی و تیرگی مناسبات ناشی از آن همواره زمامداران دشور های مزبور را به انواع واکنشها واداشته است و گناه این امر مستقیماً بگردد رژیم شاه است. اگر محمد رضا شاه واقفاً به برقراری آرامش در خاور نزدیک و میانه علاقه داشت بهیچوجه لازم نبود هر سال برای باصلاح تقویت ارتش ۲۰۰ میلیون دلار برای خرید اسلحه و آنهم سلاحهای کهنه از کشورهایی چون آمریکا و آلمان غربی وام بگیرد و بدیبطریق علاوه بر سایر عواقب هلاکتبار ناشی از این امر هزینه های سنگین نظامی زائد را سنگین تر و چرخ اقتصاد کشور را لنگ تر کند.

برای برقراری چنین آرامشی شاه قبل از هر چیز آنچه گرفتن وام نظامی ۲۰۰ میلیون را موجب شده دعای بی اساس این یا آن مقام رسمی و غیررسمی در این یا آن کشور عربی نیست. علت این امر را بکلی باید در جای دیگر جستجو کرد. حقیقت مطلب اینستکه بغلت پیشرفت سریع تکنیک مدرن نظامی مقادیر هنگفتی از سیستمهای کهنه سلاح در انبار های آمریکا انباشته شده است و آمریکا هم با انواع وسائل میکوشد این سلاحها را بکشور هایی تحویل کند که رژیم های سیاسی و زمامداران آنها بمل معین سرسپرده آمریکا هستند. بخصوص که این کشور ها همه ساله

مبالغ هنگفتی هم در آمد ارزی دلاری دارند. تنها در ظرف دو سال ۴۰۰ میلیون دلار از این سلاحهای کهنه شده به ارتش ایران تحویل شده است. مضافاً بر اینکه دولت ایران در قبال بهره ۵ درصد این وامها هر سال ۲۰ میلیون دلار و در ظرف ده سال ۲۰۰ میلیون دلار هم علاوه بر ۴۰۰ میلیون دلار باید بپردازد. معامله ای از این پر سود تر در مقابل کالائی چنین بجزل و بی ثمر جز با رژیم هائی نظیر رژیم شاه ایران برای امریکامیسر نیست. زمامداران امریکا این پولها را از دولت ایران میگیرند و از محل آن عملیات تبلیغاتی کارانه خود را علیه جنبشهای آزادیبخش ملی و از جمله علیه مردم قهرمان و رشتم توسعه میدهند.

طبیعی است که شاه برای توجیه این عمل خائنانه چاره ای ندارد. جز اینکه گفته های بی اساس این و آنرا در این یا آن کشور عربی بپزاید. شاه با این عمل بحساب خود بیک تیر دو نشان میزند: از طرفی با خریدن مقادیر زیادی اسلحه بجزل که در ایام ما اهمیت نظامی خود را از دست داده است دل اربابان امپریالیست را بخود نرم میکند و از طرف دیگر با توسل به مانور سیاسی و ایجاد تضادناست دیپلماتیک که معلوم نیست ثابقت آنها چه خواهد بود مسئله خوزستان را علم میکند و احساسات ملی مردم ایران را که بحق تمامیت ارضی میهن خود را گرامی میدارند به نایاکترین شیوه ها تحریک میکند و بدیبطریق میکوشد توجه آنها را از وضع اسفناک داخلی و معضلات واقعی کشور که رژیم او موجد آنهاست منحرف سازد. ولی مردم ایران این بار هم فریب تیرنگهای سیاسی شاه را نخواهند خورد.

ب. پیکار

## پنجاهسال مبارزه کارگران نفت

بخش دوم - مبارزات کارگران نفت از سال ۱۳۲۵ تا کودتای ۲۸ مرداد

کلوپهای کارگران یکی پس از دیگری بسته شد و مأمورین انتظامی به حبس و تبعید مسئولین اتحادیه پرداختند.

هنگام با تشدید ترور شبهه سیاسی شرکت نفت بمنظور ایجاد تفرقه در صفوف کارگران بایجاد اتحادیه های قلابی دست زد و بدیبطریق عامل خود یوسف افتخاری را وارد صحنه نمود. تجاوز بحق کارگران نفت جنوب سرآغاز یورش عمومی بحق طبقه کارگر سراسر کشور بود. در تیر ماه ۱۳۲۵ دولت قوام السلطنه طی اعلامیه ای سازمانهای کارگری را باخلال در نظم عمومی و بدخالت غیر قانونی در امور قوه مجریه منجم ساخت. پس از صدور این اعلامیه فشار سازمانهای کارگری افزون شد. یک هفته بعد قوام السلطنه تشکیل حزب دولتی بنام «حزب دموکرات ایران» را اعلام نمود و برای از بین بردن نفوذ اتحادیه های واقعی بایجاد اتحادیه دولتی اقدام کرد.

در مرداد ماه ۱۳۲۵ شورای متحده مرکزی از فداسیون سندیکائی جهانی خواست تا برای رسیدگی بوضع اتحادیه کارگران نفت خوزستان و مسئله توقیف رهبران اتحادیه، هیئتی بایران اعزام دارد. هیئت اعزامی فداسیون در فروردین ۱۳۲۶ وارد ایران شد. علیرغم کوشش هیئت حاکمه ایران که میخواست اتحادیه قلابی خود ساخته را بعنوان اتحادیه کارگران ایران قلمداد کند، کارگران خوزستان «اصفهان» تهران، مازندران و سایر شهر های صنعتی ایران پشتیبانی کامل خود را از شورای مقدمه مرکزی بعنوان یگانه سازمان سندیکائی واقعی کارگران ایران اعلام نمودند. کمیته اجراییه فداسیون سندیکائی جهانی بر اساس گزارش هیئت اعزامی در ژوئن ۱۹۴۷ اعلام کرد که شورای متحده مرکزی یگانه سازمان سندیکائی دموکراتیک و آزاد ایرانیست و در عین حال به تعقیب و توقیف فعالین اتحادیه های ایران شدیداً اعتراض کرد. تصمیم و اقدام فداسیون بکارگران ایران نشان داد که در مبارزه برای احقاق حقوق خویش تمهانیستند

و در این نبرد طبقه کارگر جهانی یار و پشتیبان آنانست. بحملات ارتجاع و تجاوزات شرکت که از نیمه دوم سال ۱۳۲۵ شروع شد و روز بروز شدت یافت، کارگران نفت با مبارزه پلخ گفتند. اعتصاب کارگران نفت آبادان در سال ۱۳۲۷ نمونه بارز مقاومت در مقابل

مهمی در اعلامیه خود گنجانده بودند. طبقه کارگر در اثر رشد آگاهی سیاسی خود به منعکس کننده منافع حیاتی همه مردم ایران مبدل شده بود. هیئت حاکمه و عمال شرکت نفت برای در هم شکستن اعتصاب دست بکار شدند. در آبادان حکومت نظامی اعلام گردید، سربازان پالایشگاه را اشغال کردند. عده زیادی سرباز از اهواز بمنطقه نفت خیز اعزام شد. اتحادیه عشایر خوزستان که برای چنین روزی از طرف شرکت تسلیح شده بود تحت حمایت رئیس پلیس وفرماندار نظامی آبادان کارگران را مورد حمله قرار داد. زنجورود بین کارگران از طرفی وعشایر مسلح و سربازان از سوی دیگر تا ساعت ۱۲ شب ادامه داشت. در نتیجه ۴۷ کشته و ۱۷۳ نفر زخمی شدند و کلوپهای اتحادیه ها باشغال سربازان در آمد. در مقابل اقدامات وحشیانه و طوطه مشترک شرکت نفت و هیئت حاکمه ایران در کلیه شهر های بزرگ ایران میتینگهای همبستگی با کارگران نفت تشکیل شد. زخمکشان سراسر ایران بوحشیکرهای ارتجاع و عمال شرکت اعتراض کردند، با تا کید شورای متحده مرکزی دولت مجبور شد هیئتی مرکب از معاون نخست وزیر و وزیر بازرگانی و نمایندگان شورای متحده مرکزی بوزستان اعزام دارد. معاون نخست وزیر در میتینگ ۳۰ هزار نفری کارگران آبادان اعلام داشت که دولت خواستهای کارگران را مورد مطالعه قرار خواهد داد و همه زندانیان را آزاد خواهد کرد. ۲۵ تیرماه سال ۱۳۲۵ اعتصاب عمومی کارگران نفت با پیروزی خاتمه یافت.

اعتصاب ۱۲ تیر ماه سیال ۱۳۲۵ ضربه جدی به شرکت نفت وارد ساخت. مصطفی فاتح درباراهمیت اعتصاب عمومی ۱۲ تیر ماه می نویسد: از روی کمال انصاف و حقیقت بینی باید گفت که بهبود وضع کارگران نفت در سالهای آخر عملیات شرکت در ایران مرهون اعتصاب بزرگ ۱۳ تیر ماه ۱۳۲۵ بود که قدرت عظیم آنها را برای گرفتن حق خود واضح و آشکار ساخت. پس از پایان اعتصاب ۱۲ تیر شرکت نفت تجاوز بحق سندیکائی کارگران را تشدید کرد. بموجب دستور روسای شرکت استخدام کارگران عضو اتحادیه ممنوع گردید. بیش از پنج هزار نفر از فعالین اتحادیه ها از کار اخراج شدند. بشماره شرکت

با آنکه دولت قانون کار را تصویب کرده بود شرکت نفت بپهنانه های مختلف از اجرای آن سر باز میزد. بنا بر این مبارزه کارگران پس از تصویب قانون کار موجهه مجبور ساختن شرکت باجاری آن گردید. چند روز پس از خاتمه اعتصاب کارگران آغا جاری ۱۵۰۰ نفر کارگر نفت در تهران دست باعتصاب زدند شرکت نفت بپهنانه های پوچ عده ای از کارگران را که برای اجرای قانون کار فعالیت میکردند اخراج کرده بود. اعتصابیون خواستار اجرای قانون کار اضافه دستمزد و برگشت کارگران اخراجی بکار بودند. شرکت نفت پس از ۲۴ ساعت مجبور شد که قسمتی از خواستهای کارگران را اجرا کند.

با آنکه شرکت نفت متعهد شده بود قانون کار را اجرا کند از اجرای اغلب مواد آن و از جمله از پرداخت دستمزد روز جمعه سر باز میزد. در واقع شرکت نفت نه تمهلی را که هنگام اعتصاب آغا جاری پذیرفته اجرا کرده و نه قرار داد با کارگران نفت تهران را محترم شمرد. شرکت نفت در تهران ۸۰ نفر و در آغا جاری عده زیادی از فعالین سندیکائی را از کار اخراج کرد. این امر موجب تشدید اختلاف بین کارگران و شرکت نفت گردید. کارگران نفت سراسر خوزستان برای احقاق حقوق خود در صف واحدی به مبارزه برخاستند. روز ۲۳ تیر ۱۳۲۵ اعتصاب عمومی کارگران نفت خوزستان آغاز شد. این اعتصاب یکی از صفحات درخشان تاریخ جنبش کارگری ایران را تشکیل میدهد. در این اعتصاب کلیه کارگران و زخمکشان نفت خوزستان باسنتی انگیسیها شرکت کردند. کمیته اعتصاب که از طرف شورای ایالتی اتحادیه های کارگران خوزستان انتخاب شده بود ساعت ۵ صبح روز ۲۳ تیر ماه مسئولین شرکت نفت اطلاع داد که از ساعت ۶ صبح اعتصاب عمومی در سراسر مناطق نفتخیز جنوب آغاز میگردد. در ساعت مقرر عموم کارگران و کارمندان باسنتی کارمندان بیمارستانها و مأمورین آب و برق و آتش نشانی دست از کار کشیدند. کمیته اعتصاب طی اعلامیه ای خواستهای کارگران را باطالع شرکت رساند. این خواستها عبارت بود از انفصال مصباح فاطمی استاندار خوزستان، خلع سلاح اتحادیه عمایر خوزستان که به رهبری چند نفر از شیوخ عرب توسط عمال شرکت برای سرکوب جنبش کارگران نفت تشکیل شده بود، منع شرکت نفت از مداخله در امور داخلی ایران، تبدیل شرکت نفت به شرکت خالص تجاری، الغای شعبه سیاسی شرکت نفت و تبعید سران آن از ایران، اجرای کلیه مواد قانون کار. چنانکه می بینیم کارگران نفت علاوه بر خواستهای اقتصادی خواستهای سیاسی

# وضع وخیم اندونزی

از کودتای اخیر اندونزی بیش از ۲ ماه میگذرد ولی هنوز در آنجا وضع وخیم حکمرانست. نیروهای ارتجاعی اندونزی و گروههای مختلف امپریالیستها که سالها بود برای حمله به جنبش دموکراتیک و مترقی کشور در پی فرصت میکشیدند از پیش آمد کودتا استفاده کردند و به نیروهای مترقی و در خوزه اول به سازمانهای حزب کمونیست اندونزی تاختند. محافل مترقی ارتشی در سراسر کشور علیه حزب کمونیست و سایر سازمانهای دموکراتیک به تبلیغات مفسده جوینانه ای مشغولند و همعنان با دار و دسته های ارتجاعی حزب نهضت العلماء و سازمانهای مذهبی دیگر هر چند روز یکبار میتینگها و دهنشتراسیونهای علیه سازمانهای مترقی و دموکراتیک راه میاندازند و شرکت کنندگان آنها محل این سازمانها هجوم میبرند. طبق گزارش خبر گذران علوجی هر روز عده زیادی از افرادی را که گمان عضویت در حزب کمونیست اندونزی بانها میرود یکمونها میبرند و با کلابتریها و پاسکاههای نظامی میبرند. مخبر رویتر گزارش میدهد که تا اوایل نوامبر در حدود ۵ هزار نفر را گرفته بودند. از آن پس تعداد دستگیر شدگان روز بروز بیشتر شده است. چندی پیش پس از آنکه فعالیت حزب کمونیست و اکثریت سازمانهای بزرگ توده ای چه عملاً در سراسر کشور

منوع شده بود اعلامیه ای از طرف ستاد ارتش اندونزی انتشار یافت که فعالیت حزب کمونیست را رسماً نيزرد منطقه جازه مرکزی و مناطق دیگر ممنوع میکند. در حال حاضر کارمندان را که در حزب کمونیست یا در یکی از سازمانهای مترقی و دموکراتیک دیگر عضویت دارند و با شرکت در جنبش ۳۰ سپتامبر متهم هستند از وزارتخانه ها و ادارات دولتی اخراج میکنند. از نمایندگان عضو حزب کمونیست و سازمانهای مترقی دیگر در پارلمان اندونزی سلب مصونیت شده و فعالیت آنها را ممنوع کرده اند.

محافل راستی اندونزی با ضربت زدن به حزب کمونیست و سازمانهای مترقی دیگر عملاً در جهت تخریب وحدت ملی کشور گام برمیدارند. حزب کمونیست اندونزی نیرومند ترین حزب سیاسی کشور است که نزدیک به ۳ میلیون عضو و نیز بیش از ۲۰ میلیون هواخواه دارد. شرکت این نیروی بزرگ در حیات سیاسی اندونزی عامل مؤثری در تکامل انقلاب اندونزی و تحکیم استقلال کشور در قبال دسائس و توطئه های امپریالیستها و پیروزی نیرو های ملی در

بازگرداندن ایربان باختری و نیز کوتاه کردن دست انحصارات هلندی و انگلیسی و امریکائی از مواضع کلیدی اقتصاد اندونزی بوده است.

قطب با حفظ وحدت ملی است که اندونزی میتواند مقام شایسته خود را در صحنه بین المللی حفظ کند و از منافع ملی و استقلال واقعی خود در قبال دسائس امپریالیسم دفاع کند. رئیس جمهور سوگارنو نیز ضمن اظهارات اخیر خود ضرورت حفظ وحدت ملی را صریحاً تأکید کرده است.

بیهوده نیست که عملیات تصفیعی علیه سازمانهای چپ با وجود ضعف محافل امپریالیستی روبرو شده است. روزنامه نیویورک تا به روز نوشت که دولت امریکا معتقد است که این عملیات برای سیاست امریکا «امکانات جدید فراوان» بوجود میآورد و روزنامه دیگر امریکائی بنام واشنگتن ایونینگ استارث، نوشت که حوادث کنونی اندونزی برای غرب «نتایج نیکو» در بردارد. جوزف اوسوب در نیویورک هرالد تریبون، نوشت که «غرب از هر جهت میتواند از حوادث جا کارتا دلشاد باشد».

## بیستین سال تأسیس فدراسیون جهانی جوانان دموکرات

در اواخر اکتبر سال ۱۹۴۵ نمایندگان جوانان کشور هائیکه علیه فاشیسم جنگیده بودند در لندن اجتماع کردند. آنها و رفقایانش که ماشین پر قدرت جنگی نازیها را در تمام جبهه های تبرد خرد کرده بودند، میخواستند اتحادی که با خون بهترین فرزندان ملال آبدیده شده بود حفظ شود، تقویت گردد و از چنگ نوین جلوگیری شود.

در تاریخ دهم نوامبر ۱۹۴۵ آنها سازمان خود را که روی پرچم آن نوشته شده بود دوستی، صلح و همبستگی بنیاد نهادند.

در آنروز نمایندگان ۳۰ میلیون جوان از ۶۴ کشور در لندن گرد آمده بودند و امروز ۱۱۰ میلیون جوان از ۷۴۸ سازمان جوانان ۱۱۳ کشور در زیر پرچم بر اقتضای فدراسیون جهانی جوانان دموکرات گرد آمده اند.

سازمان جوانان توده ایران که در کنفرانس

دشمنان اندونزی در کشور های آسیائی نیز از بحران کنونی اندونزی دلشادند. عبدالرحمن نخست وزیر مالزیبا اظهار امیدواری کرده است که اختلافات داخلی اندونزی آن کشور را مجبور خواهد کرد از سیاست ضد امپریالیستی خود دست بکشد. زمامداران سایر کشورهای آسیائی عضو بلوک سیستو و سیستو واز جمله رژیم شاه ایران نیز از این حوادث ابراز خرسندی میکنند.

تصفیقات محافل ارتشی سازمانهای چپ اندونزی را بمقابله چینی در برابر حملات ارتجاعی واداشته است. در برخی از نواحی کشور و بخصوص در جازه مرکزی میان نیرو های دولتی و هواداران جنبش ۳۰ سپتامبر تصادمات مسلحانه روی داده است. بدینمناسبت در تمام این منطقه و نیز در سورا کات و سمارانگ حکومت نظامی اعلام شده است. مقامات دولتی سعی دارند تا جلوه دهند که در این مناطق وضع بحالت عادی باز میگردد ولی تیرو های چپ در این مناطق دست از مقاومت برنداشته اند.

هوستال واقعی جنبش آزادیبخش خلق اندونزی از وخالت وضع آن کشور و بیادگری ارتجاع در حق حزب کمونیست اندونزی جدا نگراند و خواستار آند که اندونزی بار دیگر جای شایسته خود را در سنگر مبارزان ضد امپریالیسم اشغال کند.

سازمان امنیت دستگیر شده اند. آقای خلایل ملکی و عده ای دیگر از وابستگان بجامعه سوسیالیستها گروهی از حزب مردم ایران و عده ای از اعضا سازمان داوطلبان وابسته به جبهه ملی و همچنین عده ای از توده ایها از زمره این دستگیر شدگان هستند. جالب است که اگر سازمان امنیت لاقابل نام و چگونگی دستگیری تیر توده ایها را منتشر میکند، ولی افرادی که با تمام توده ای بودن دستگیر میشوند در واقع سر به نیست میشوند. یعنی سازمان امنیت هیچگونه اثری از این تعقیب پلیسی بجای نمیگذارد. حتی خانواده های دستگیر شدگان هم کمترین خبری از سرنوشت ایشان ندارند. چه رسد بانکار عمومی.

حزب ما نه فقط بدستگیری شکنجه ومحاکمه توده ایها بشدت اعتراض میکند و افکار عمومی ایران و جهان را بشرکت فعال در این اعتراض دعوت مینماید بلکه بنا بر سیاست استوار خود مبنی بر دفاع از حقوق و آزادیهای همه مردم ایران و بویژه نیرو های ملی و مخالف رژیم، بتوقیف وابستگان بجامعه سوسیالیستها و جبهه ملی نیز شدیداً معترض است.

## تبعید های اخیر

طبق اخبار رسیده روز چهارشنبه پنجم آبان آقای مهندس بازرگان را بانفاق ۶ نفر زندانی مصدق وتودوی و روحانی دستبند آهین زده و بطرف شیراز حرکت دادند.

دو روز بعد یعنی روز ششم آبان گروه دیگری اوزندانیان بهمان ترتیب به بزازجان تبعید شدند. ظلت این تبعیدها بدرستی معلوم نیست. گفته میشود که تبعید شدگان روز چهار آبان بجای دعا به شاه اهانت کرده اند. خانواده های زندانیان تبعیدی به مراجع مختلف مراجعه

# رویداد ها و تفسیر ها

کرده ولی نتیجه ای نگرفته اند.

ما باین تبعیدها اعتراض جنی داریم. مسخره تر از این چیزی نیست که زندانیانی را که بعلت مخالفت با اقدامات ضد ملی شاه زندان افتاده اند مجبور به دعا بجای او کنند. شاه مقهور تمام مذهب پرستان واقعی است و این تبعیدها و زندانها نفرت مردم را افزون خواهد ساخت.

## تورور پلیسی شدت می یابد

علاوه بر گروه ۱۴ نفری که با تمام موهوم شرکت در سوء قصد بشاه هم اکنون در دادگاه فرمایشی و نقلی تحت محاکمه هستند، در یکی دو ماه اخیر افراد جدیدی با اتهامات شبلیسی از طرف

## پنجاهسال مبارزه کارگران نفت

کارگران روشن میگردند.

مصطفی فاتح که خود یکی از عمال شرکت نفت بود در کتاب پنجاه سال نضت ایران چنین مینویسد: «شرکت نفت آگاه بود که طبقه حاکمه ایران تمام توجهش معطوف باستثمار توده مردم است و چون خودش هم همان کار را میکرد یک اشتراک منافع و مصالح بین آنها بوجود آمده بود شرکت سهم ناچیزی بایران میداد و نفت آنرا میبرد و میفروخت و درآمد کثرافی از آن بدست میآورد. طبقه حاکمه هم سهم ناچیزی را با انواع و اقسام وسائل میبرد و میخورد و اجازه نمیداد که یکشاهی از آن صرف کارهای تولیدی شود که بحال مردم سودمند باشد، فروتنی که بدینسان حاصل و میل میکردند یا بکرانه های تابمز منتقل میشد حاصل دسترنج کارگرانی بود که از ابتدائی ترین حقوق انسانی محروم بودند و شاه بشیرمانه آنها را آشوبگر میخواند.

اینک در اتر خیانت هیئت حاکمه و در رأس آن شاه، نفت ایران که پس از پنجاه سال مبارزه طبقه کارگر و همه مردم ضد استثمار ایرانی ملی شده بود علاوه بر امپریالیستهای انگلیسی بدست امپریالیستهای آمریکا و آلمان غربی، فرانسه و هلند غارت میشود و استثمار توده های زحمتکش ایران نه تنها تخفیف نیافته بلکه تشدید شده است. در مقابل صف متحد استثمار گران و هیئت حاکمه ایران طبقه کارگر و همه نیرو های ضد استثمار و مترقی ایران هر روز بیشتر بلزوم وحدت پی میبرند و مبارزه خود را برای برچیدن بساط رژیم کودتا تشدید میکنند.

# تقسیم مردم

مرکب از رقبا:

- ۱ - سرهنگ محمد جلالی
- ۲ - سرهنگ ۲ کاظم جمشیدی
- ۳ - سرهنگ ۲ امیر افشار بکشو
- ۴ - سرگرد جعفر وکیلی
- ۵ - ستوان بکم محمد باقر واله

بدست دژخیمان شاه تیر باران شدند. سرگرد وکیلی فرمان شکست ناپذیر یک روز قبل از اعدام از جانب همه افسرانی که با نظارت نهادت بودند به دوستان خود نوشت:

« این خدا حافظی دسته جمعی شهیدان ملت در واپسین روز زندگی خودمان است، نخست درود آتشین ما را بپذیرید، دیگر آنکه بدانند تا آخرین دم به خلق وفادار ماندیم.»

یاد این مبارزان دلیر همیشه در خاطره ها باقی است.

۱۸ آبان ۱۳۲۵

روز تأسیس فدراسیون جهانی جوانان دموکرات است. روز جوانان دموکرات است.

۱۷ آبان ۱۳۳۳

گروه سوم افسران عضو حزب توده ایران